

ستون اول

تهاجم فاشیستی ارتش ترکیه با روادید متحدین ناتو، حکومت‌های روسیه و ایران، علیه جنبش شورایی روز آوا

تهاجم دومین ارتش ناتو، از زمین و هوا و در یک روز با ۷۲ بمبافکن فانتوم با مقاومت درخشان زنان و مردان شورایی عفرین، با همدلی وهمسنگری توده‌های حماسه آفرین کوبانی و جزیره در کردستان سوریه، هنوز نتوانسته از خطوط دفاعی و روستاهایی که با صفوف یگان‌های افتخار آفرین زنان و مردان رزمنده محافظت می‌شوند، بگذرد. نزدیک به ۱۸ روز است که ارتش ترکیه با زره پوش‌ها و تانک‌های آلمانی و بمبافکن‌های آمریکایی و کاتیوشا، بمب‌های خوشه‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار جمعی فروشندگان و تولید کنندگان سلاح، همانند چین و انگلستان و... شبانه روز، روستاها، شهر و همه عفرین را بمباران می‌کند. به این هدف که اراده‌ی شورایی و کانتون‌های خودگردان در هم شکسته شوند، شوراها در کردستان‌ها الگو نشوند و کارگران و زحمتکش‌ها، در تمامی کردستان‌ها به ویژه در ترکیه و سوریه، به رفع ستم ملی و طبقاتی بنایندیشند.

حکومت ترکیه و دولت‌اش به رهبری اردوغان فاشیست، خودمدریتی در حال رویش کانتون‌های سه گانه را همانند خاری در چشم حاکمیت خویش می‌بیند و غرق در بحران سیاسی و اقتصادی، همه‌ی توان نظامی و سیاسی خویش را در سرکوب فاشیستی روز آوا به قمار گذارده است. غافل از آنکه تجربه انقلابی خلق ستم‌ناپذیر اما در جهان بازتاب یافته، و الگو شده و اگر حتی به خون نشانیده شود، گامی بزرگ از اراده انسان‌هایی را به یادگار می‌گذارد که برخاسته و خواهان آن هستند که سرنوشت خویش را خود به دست گیرند. دولت اردوغان در حالی که آرزوی دستیابی مردم کردستان عراق به حق تعیین سرنوشت خویش را در نتیجه مداخله نظامی حکومت اسلامی ایران و عراق در سازش با دولت فروپاشیده اقلیم، در هم شکسته یافت، فرصت را مناسب دید ←

عفرین: پرتگاهی برای مرتجعین و امپریالیست‌ها



چپ و خیزش دی‌ماه!



آزمون انقلابی خیزش جاری دی، و مروری بر فرازها و کاستی‌ها

اوجگیری اعتراضات و اعتصابات کارگری

"دختران خیابان انقلاب"

هلمت احمدیان

چپ و خیزش دی ماه

کمبودها و فرصت‌ها کدام‌ها هستند. یعنی اگر بخواهیم از موضعی صمیمانه به این چپی که ما از آن گله مندیم، بگویم چکار باید بکند و یا نکند، بدون روشن تر شدن این مسائل از پاسخ عاجز خواهیم ماند. از این روی ابتدا باید تکلیفمان را با تعریف از قطب چپ روشن کنیم که بتوانیم هم قضاوتی منصفانه داشته باشیم و هم در پرتو این ارزیابی قدم‌های پیش رو را مشخص تر کنیم.

قطب چپ جامعه

قطب چپ جامعه را تنها نباید در قامت احزاب و نیروهای سیاسی خلاصه کرد. چپ هم در بعد اجتماعی اش و هم در بعد احزاب و سازمان‌ها، اگر چه یک کلیت واحد را تشکیل می‌دهند اما تا حدی باید جدا از هم بررسی شوند.

تا آنجا که به سازمان‌ها و احزاب شناخته شده چپ برمی‌گردد. مشکل غالب آنها غافلگیر شدنشان در مقابل رویدادهای دی ماه نبود. تا آنجائیکه به بعد تحلیلی برآمد خیزش دی ماه برمی‌گردد، هر چند کسی نمی‌توانست تاریخ و روز آن را تعیین کند، اما در تحلیل غالب نیروهای سیاسی آنچه اتفاق افتاد، روندی قابل پیش بینی بود.

اما در عین حال خیزش دی ماه محرومان جامعه ایران این واقعیت را روشن تر ساخت که نیروهای موجود چپ اگر چه تحلیل این روند را پیش بینی می‌کردند، اما در بعد کنونی تشکیلاتی شان (که بخشی از این احزاب در داخل به آن متکی هستند)، و با اتکا به هسته‌ها و حوزه‌های حزبی و کمیته‌های تشکیلاتی شان، هنوز امکان تاثیرگذاری موثر بر طوفان چنین خیزش‌های توده‌ای گسترده و فراگیر را ندارند.

از این روی مهمترین درسی که نیروهای چپ و کمونیست می‌توانند از این تجربه بگیرند، این است که از توازن قوایی که بعد از خیزش دی ماه در جامعه ایران بوجود آمده است، نهایت تلاش را برای برطرف کردن و یا

خیزش سراسری توده‌های گرسنه و تهیدست در دی ماه، که بر بستر تشدید بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و پیامد ویرانگر سیاست‌های نئولیبرالیسم اقتصادی و فقر و فلاکت روز افرون محرومان جامعه به وقوع پیوست، یک پدیده ناگهانی نبود. توده‌های مردم در دی ماه در سطحی بی سابقه و سراسری به خیابان‌ها آمدند، نشان دادند که هیچ امیدی به بهبود اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی کنونی و شرایط اختناق سیاسی تحت حاکمیت رژیم جنایتکار اسلامی ندارند.

این خیزش اگر چه فصل تازه‌ای در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی گشود و با عبور از اصلاح طلبان حکومتی به جلو آمد، اما در همان حال نشان داد که جنبش اعتراضی توده‌ها هنوز آمادگی و ملزومات انقلاب و سرنگونی رژیم را فراهم نیاورده است و باید برای این امر بویژه در شرایطی که تناسب قوای مناسب تری بوجود آمده است مجدانه کوشید.

در این راستا این سؤال پررنگ‌تر از همیشه در مقابل نیروهای چپ و کمونیست قرار گرفت که چپ در این اوضاع و برای متحقق نمودن استراتژی خود کجا ایستاده است؟ فرصت‌ها و محدودیت‌های سر راه این قطب کدام‌ها هستند و...؟

نگاهی اجمالی به این موضوع مفید می‌تواند به پیشروهای آتی یاری رساند. اولین واکنش و قضاوتی که بعد از رویدادهای دی ماه در رابطه با نقش و جایگاه نیروهای کمونیست و چپ نشان داده شد، این بود که چپ در قامت احزاب و سازمان‌های شناخته شده از اوضاع عقب بود و یا به عبارتی دیگر نمایندگی جنبش عظیم و توده‌ای و سراسری را نکرد.

پاسخی که به این چالشگری عینی می‌شود داد، تایید مسئله است. اما این پاسخی است مشاهده‌ای و به دلایل و ریشه مسئله نمی‌پردازد. این پاسخ به تمامی نمی‌گوید که اولاً تعریف ما از قطب چپ جامعه چیست و دوماً

تا به این یورش نظامی تبهکارانه دست بزنند. ارتش و حکومت فاشیستی ترکیه، در همدستی با حکومت‌های روسیه و ایران و سوریه، با چراغ سبز امپریالیسم آمریکا و اروپای متحد، و چین برای این حمله، روایت گرفتند. بورژوازی ترکیه، به پشتوانه ناتو و ارتش و دولت اردوغان در ادامه جنایت‌های جاری و مداوم علیه کارگران و زحمتکشان به ویژه در کردستان، شرایط را مناسب دید تا ابتدا عفین را در هم کوبد، جزیره و کوبانی را از هم جدا سازد و آنها را نیز در کوبد و با بسیج مزدوران مذهبی گوناگون جهادی از جمله تروریست‌های گروه‌های تحریرالشام و حرکه احرار الشام و... زیر نام «ارتش آزاد سوریه»، زیر فرماندهی ارتش ترکیه، این تهاجم فاشیستی را به پیش برد.

تا کنون صدها تن از کودکان، زنان و مردان بی دفاع در روستاها و شهر عفین زیر آتش باران جانیان سرمایه به فرماندهی اردوغان، سوخته و قطعه قطعه شده‌اند و سنگرهای مقاومت غرق در خون رزمندگان به مقاومت ادامه می‌دهند. فاشیست‌ها و درندگان ارتش ترکیه، با تانک‌هایشان از شکارچیان تانک‌ها به لرزه افتاده‌اند.

مقاومت توده‌های کار و زحمت، حماسه آفرینانه، آرزوی دولت‌های متحد را نقش بر آب ساخت. ترامپ، رهبر آمریکا، خواهان ادامه «محدود عملیات» شد، بیش از پیش رضایت خویش را با دولت اسلامی ترکیه نشان داد. این تهاجم و همدستی‌ها اما بزرگترین و گرانباترین آموزش و آزمون برای مردمانی است که به خودرهایی می‌اندیشند. خودرهایی، و خودمدیریتی در چهارچوب فدرالیسم و پارلماناریسم بورژوازی هرگز به دست نمی‌آید. تجربه تلخ و غمبار در کردستان عراق نمونه اخیر این ساده انگاری و توهم است. خودمدیریتی در پناه دولت‌های سرمایه‌داری جهانی و بلوک‌های روس و چین و اروپا و آمریکا به دست نمی‌آید. بزرگترین راز و رمز مقاومت شکوهمندانه و پیروزی جنبش شورایی کانتونیسم در روزآوا با جانبازی زنان و مردان سازمانیافته در یگانه‌های مدافع خلق و یگانهای مدافع زنان، به پشتوانه و شرکت یکپارچه توده‌های است که مستقل از ملیت، اتنیک، دین و جنسیت و زبان نهفته است. اینک در میان خون و آتش، کرد، عرب، مسیحی، کلدانی، ایزدی و آسوری و ترک و ... در سرزمین کانتون‌ها از شرف و هستی ارزش‌های انسانی و دستاوردهای انقلابی خویش دفاع می‌کنند. یاد عزیز جانبازان این مقاومت انترناسیونالیستی، یاد جانبازان قهرمان روزآوا همیشه زنده است. با پشتیبانی بین‌المللی و با هر گونه یاری و پیوستن به مقاومت و مبارزه دیگر بخش‌های کردستان و همبستگی جهانی، همایش‌های خیابانی، ارسال دارو و دیگر مواد مورد نیاز و خبرسان، فشار به دولت‌ها، افشای جنایات حکومت ترکیه، و سیاست‌ها و نقشه‌های بلوک‌های سرمایه‌داری و بازتاب حقانیت مبارزه و مقاومت مردم محاصره شده و زیر آتش در عفین و روزآوا می‌توان مقاومت درخشان و شجاعانه‌ی این مردم به پا خاسته را نیرو بخشید.

جهان امروز

کار و مبارزه اشان کوچ داده شده اند، نیست. سالهاست به یمن زندگی در عصر اطلاعات و ارتباطات و بهره گیری از کانال های اینترنتی شاهد کم شدن هر چه بیشتر مبارزه در داخل و خارج کشور هستیم. کوچکترین اعتراضی حتی در سپاه چال های رژیم به سرعت جهانی می گردد و هزینه سرکوبگری های رژیم را برای او بیشتر می کند.

سالهاست ضرورت همکاری و همگامی نیروهای چپ و کمونیست را برای هرچه بیشتر چفت دادن این بخش از چپ با روندهای مبارزاتی در داخل شاهد هستیم و علیرغم دشواری های همراهی و همگامی این بخش از نیروها، می بینیم که تحولات و نقطه عطف هایی مانند خیزش دی ماه به سرعت پروسه همکاری و همگامی را در بین این نیروها بیشتر می کند. و این به ما می گوید که دیوار چینی بین مبارزه در داخل و خارج نیست و این دو تکمیل کننده

همدیگر هستند. شاهدی بر این ادعا همچنین بوجود آمدن دهها انجمن و نهادهای تک مضمونی برای دفاع از جنبش کارگری، جنبش زنان، دفاع از حقوق ملیت ها، آزادی های سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی و ... در خارج کشور است که تاثیرشان بر همگان آشکار است. همه و همه اینها در کنار هم نشان می دهد که قطب چپ



در جامعه ایران به شرطی که رسالت اجتماعی خودش را در پاسخ به روندهای مبارزاتی که در ابعادی سترگ در حال رشد و نمو است، دریابد و بر ضعف های درونی خود فایق آید می تواند نقش موثرتری در راهبری اوضاع متحول آتی ایفا نماید. یکی از راه های رسیدن به این هدف همکاری های عملی مشترک و گشودن بحث و دیالوگ به منظور آمادگی بیشتر و تلاش برای دستیابی به یک منشور سیاسی مشترک که هم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را معنی کند و هم مطالبات روزانه کارگران و اقشار تهیدست و ستمدیده مردم ایران را بیان کند، می باشد.

اوضاع آتی

خیزش های خیابانی اگر چه فروکش کرده است و به اشکال دیگری جاری است، اما شبحی که جمهوری اسلامی با همه جناح هایش را در ده روز دی ماه لرزاند، هنوز بر فراز سر آنها در گشت و گذار است. گفتمان چپ همانگونه که در دی ماه نشان داده شد اینک گفتمان اصلی هر جنبش اعتراضی در ایران

سندیکا، انجمن، و نهاد صنفی، مدنی، اجتماعی و ... که با نام و نشان سالهاست در عرصه هایی همچون جنبش کارگری، جنبش دانشجویی و جوانان، جنبش زنان، تشکل های دفاع از محیط زیست، کودکان کار و ... با گرایشات بارز چپ، بسنده کرد. بلکه نسلی متفاوت، رزمنده و آماده برای استفاده از فرصت ها، نیز مورد نظر است که گوشه ای از پتانسیل انقلابی و رادیکال خود را در روزهای پر تنش دی ماه امسال نشان داد و حاکمیت جمهوری اسلامی را با همه جناح ها و باندهایش به لرزه انداخت. زن تحت فشار آپارتاید جنسیتی، جوان بی آینده و متفر از جمهوری اسلامی، مردم زحمتکش و تهیدست گرسنه نان و تشنه آزادی، کارگرانی که اگر شانس آورده و در صف بیکاران قرار نگرفته باشند، چند ماه دستمزدشان به تعویق افتاده و ... همه و همه، نمی توانند به راهکاری ریشه ای و چپ برای تغییر اوضاع روی نیاورند و جزو

قطب چپ جامعه محسوب نشوند. این تغییرات در زیر پوست جامعه بحرانی ایران با خود نسلی از رهبران جوان با گفتمانی و شیوه کاری متفاوت را بخشا مستقل و بخشا متأثر از خط ها و جریانات سیاسی شناخته شده به صحنه آورده است. این نسل گفتمانی تازه و نوتر را در بطن مبارزه ای دشوار و پیچیده با دیکتاتوری حاکم جمهوری اسلامی خلق کرده است. نسلی از رهبران و پیشروان عملی و غالباً ناشناخته با تلفیق کار علنی و کار مخفی، نیروی محرک خیزش دی ماه بودند و جنبشی متفاوت از همه خیرش های قبلی را از نظر گستردگی، مطالبات رادیکال و مستقل بودنش از جریانات رفرمیست آفریدند. اما این نیرو و پتانسیل هنوز از سازماندهی درونی خود که بتواند استراتژی مستمر و ادامه کاری را سامان دهد، محروم است و این امری است که باید بطور جدی به آن معطوف شد.

در عین حال سخن گفتن از ویژگی ها، ظرفیت ها و کمبودهای این چپ پای در آتش در داخل، مطلقاً به معنای ندیدن ظرفیت های آن بخش از نیروهای چپی که با زور و سرکوب از محل

تحقیف این ضعف که اساساً اختناق سیاسی دلیل آن بوده است، به عمل آورند.

اما همانگونه که اشاره شد خطاست که در تعریف چپ در جامعه ایران این قطب را تنها در قامت احزاب و سازمان های سیاسی موجود دید و به چپ مانند یک قطب اجتماعی در اشکال مختلفش توجه نکرد. این امر نه فقط از زاویه نشان دادن طول و عرض این قطب، بلکه از زاویه درهم تنیدگی و تاثیرات متقابلی که چپ هم در قامت سازمانی و حزبی و هم در قامت اجتماعی آن، روی همدیگر می گذارند، اهمیت دارد.

لذا واقعیتی که باید روی آن تاکید کرد این است که مدتهاست در جامعه ایران دیگر نمی توان با تعریفی کلاسیک و سنتی از این قطب، تنها در قالب نیروهای شناخته شده بسنده کرد. چپ در جامعه ایران به دلایلی واقعی که مهمترین آن نبود هیچ فضایی برای فعالیت مستقیم و علنی، عوارض منفی تبعید طولانی و مشکلات سیاسی و سبک کاری درون خود این نیروها و ... بطور واقعی و اجباری مجبور شده به فعالیت محدودتر و مخفیانه روی آورد و این از ظرفیت و توان احزاب و سازمان های چپ کاسته و همانگونه که اشاره شد آنها نتوانسته اند در ابعاد توده ای، موثر و راهبر، در رویدادهای بزرگی مانند خیزش دی ماه ظاهر شوند. اما همانگونه که اشاره شد قطب چپ بسیار فراتر و متنوع تر از نیروهای سیاسی شناخته شده در جامعه ایران عمل کرده است. ایجاد فاصله بین این نیروها با موضوع کارشان در داخل ایران باعث این نگردیده که چپ علی العموم بر بستر مبارزه طبقاتی و اجتماعی اقشار تهیدست جامعه، منطبق بر شرایط، ظرفیت چالشگری و مبارزاتی خود را از دست دهد و ابزارهای دیگری را منطبق بر شرایط نسازد.

در اوضاع و احوالی که تضادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر روز بیشتر جامعه را به قهقرا می برد، بدون شک مقاومت و ستیزه جویی هم، راه های خود را همچون جویبارهایی در میان سنگلاخ ها پیدا می کند و روزی به رودی خروشان تبدیل می شود. بر این مصداق قطب چپ مورد نظر ما در جامعه ایران پدیده ای بمراتب گسترده تر و متنوع تر از احزاب، سازمان ها، گروه ها و محافلی است که بیشترشان در خارج کشور به فعالیت سیاسی مشغول هستند و یا بخشی از آنها در داخل کشور هم متکی به تشکیلات های مخفی شان هستند.

برای نشان دادن این قطب در مقیاس اجتماعی آن و آنهم در داخل کشور تنها نباید به دهها

عباس منصوران

آزمون انقلابی خیزش جاری دی، و مروری بر فرازها و کاستی‌ها

و یا به سرمایه‌گذاری دربار و الیگارش‌های حاکم در صنایع بحران زده‌ای همانند کروپ آلمان و شهرک سازی در آفریقای جنوبی و بانک‌های سوئیس و... تورم آفریده بود، و رکود به ویژه در صنعت ساختمان و زمین بازی و دلالتی که روحانیت بازار را زیانمند می‌ساخت... عمده‌ترین ریشه‌ها و نمادهای اعتراضی بودند که ریشه در خواست‌های طبقاتی، اجتماعی و سیاسی لایه‌های میانه جدید شهری، و دهقانان رانده شده از زمین و روستاهای به حاشیه شهرها رانده شده و سرکوب‌های از مشروطه و کودتای انگلیس - رضا خان در اسفند سال ۱۲۹۹، داشت. ریشه‌های مادی اعتراض و قیام، تشدید ستم ملی بر خلق‌ها و سرکوب، کودتای آمریکا - محمدرضا شاه در مرداد ۱۳۳۲ و خانه خرابی میلیون‌ها روستایی و کشاورز و خرده تولید کننده‌ی به فلاکت نشانیده شده که می‌بایستی خوراک ماشین و بازار تولیدات مصرفی و مونتاژ و بورژوازی وابسته باشند، بودند. ریشه‌ی خیزش دی ماه را باید در ادامه سلطه و سرکوب نیروهای امنیتی تا سال ۵۷ و مداخله‌ی نیرویی بازدارنده و ارتجاعی به نام حکومت اسلامی است که بنا به تصمیم نهایی و نشست گوادلوپ در ژانویه ۱۹۷۹/دی ۱۳۵۷ با شرکت سران دولت های ۴ قدرت اصلی بلوک غرب (آمریکا، انگلستان، فرانسه و آلمان غربی) در جزیره گوادلوپ برای جایگزین اسلام سیاسی به جای لائیسیتیه استبدادی حاکم، به سان نیرویی که جنبش کارگری را سرکوب و منافع سرمایه جهانی را پاسداری کند و چپ را سرکوب و نفت و ارتش را برای چرخش مناسبات سرمایه داری پاس دارد، جستجو کرد.

سبد خمینیسیم در یک بسته بندی فرانسوی همانند «ابلیس مرگ» بر سر جامعه فرود آورده شد، با پرواز ویژه‌ی ایرفرانس به یاری بورژوازی لیبرال، ملی مذهبی‌ها، و بازار و روحانیت و سرانجام پشتیبانی روسیه به کارگزاری گروه‌بندی‌های سیاسی بورژوازی به گماشتگی حزب توده و اکثریت فدایی و... برپا گردید. سلطه اسلام سیاسی به غایت ارتجاعی، وعده‌های دروغین خمینی و روحانیت فاسد و به ویرانه تبدیل کردن جامعه، به خواری نشانیدن میلیون‌ها انسان، کشتار هزاران انسان مبارز و مخالف حکومت اسلامی در دهه‌ی ۶۰ تا کنون، جنگ ویرانگر ۸ ساله با عراق و آوارگی میلیون‌ها انسان در داخل ایران و خارج به جستجوی زندگی و کار و نان، سرکوب و به خواری نشانیدن کارگران زن و مرد، و محرومیت زنان از کوچکترین

ارزیابی سرشت مادی و عینی خیزش دی ماه برای دخالتگری هر کنشگر و گروه‌بندی سیاسی چه در اردوی دشمن و چه مبارزین و نیروهای سیاسی طبقه کارگر، ضروری است. بر مبنای این ارزیابی است که از جمله، ریشه و سرشت طبقاتی، سرچشمه مادی آن، نیروهای مادی و پویندگی، دینامیسیم، آزمون و خطاها، کمبودها، ظرفیت‌ها، شعارها، کزروی‌ها، بازدارنده‌ها، چشم اسفندیارها (نقطه ضعف‌ها)، روانشناختی، جامعه شناختی، و شرایط جهانی و... از سویی و در سوی دیگر شرایط شناخت همه جانبه از نیروی دشمن، شرایط سیاسی حاکمیت، تاکتیک‌ها و ارزیابی از نیرو و قدرت سرکوب دشمن طبقاتی به دست می‌آیند. برپایه‌ی چنین پژوهش و شناختی است که پیروزی بر دشمن و دستیابی به خواست‌ها امکان پذیر می‌شود. پیرامون خیزش دی ماه ۹۶، نوشتارها و گفتارهای بسیاری از زوایا و گرایش‌های گوناگون در رسانه‌های نیروهای سیاسی و نیز از سوی ما در رسانه‌های حزب کمونیست ایران، بازتاب یافته‌اند. در اینجا تنها به مروری از فرایند تاریخی و ماده‌ی متراکم و دینامیک این جنبش پرداخته می‌شود و سپس به بررسی کوتاهی که در این نوشتار می‌گنجد می‌پردازیم.

پیشتر نوشتیم که خیزش دی ماه، خیزشی تاریخی است که دستکم از مشروطه تا کنون سابقه نداشته است. آنانی که در بهمن ۵۷ در سازماندهی همایش‌ها و درگیری‌های خیابانی نقش داشته‌اند، و از دهه‌ی ۵۰ تا کنون در مبارزه طبقاتی دخالتگر بوده‌اند، دستکم می‌دانند که برآمد خیابانی از تهران آغاز گرفت. سال ۵۶ با برگزاری شب‌های فرهنگی و سیاسی با حضور دانشجویان، هنرمندان و روشنفکران انقلابی همانند سعید سلطانپور در دانشگاه صنعتی، در پی برگزاری شب‌های شعر انستیتو گوته، و روزه‌ای که در شرایط جهانی گشوده شده بود و دانشجویان پیشرو چپ پس از یک شب که همراه سعید شاعر انقلابی کارگران در محاصره پلیس، به خیابان آمدند، نخستین گام‌های خیزش‌های انقلابی سال ۵۷ را در پی داشت. آلونک نشینان در برابر ماشین‌های تخریب شهرداری در همان ماه‌ها ایستادگی کردند، هویدا نخست وزیر پس از ۱۳ سال باید برکنار می‌شد و جمشید آموزگار به جای او می‌نشست و شاه به یاری ساواک و امپریالیسم آمریکا، تمامی قدرت را سرمستانه در دست داشت. بحران اقتصادی با افزایش قیمت هر بشکه نفت از ۵ دلار به ۳۵ دلار و سرازیر شدن دلارهایی که تورم‌زا بود یا به سلاح

است. خیزش سراسری تهدیدستان ایران برای نان و آزادی نشان از تعمیق مبارزه طبقاتی، به میدان آمدن گرسنگان، بیکاران، جوانان، زنان و... است و نشان داد که اوضاع آتی را قطب چپ جامعه که به اصلاح طلبان و رفرمیست‌ها توهمی ندارند رقم می‌زند. همچنین تجربه همین دوره بار دیگر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی را تنها با جنگ و گریزهای خیابانی نمی‌شود از پای انداخت، بلکه روش‌های موثرتر و فرسایشی تری که فرصت رشد و گسترش به توده‌ها برای سازماندهی می‌دهد، در دستور قرار گیرد. اعتصاب عمومی یکی از این ابزارهاست که هم توده‌های وسیع تری را به میدان می‌آورد و هم به سادگی برای رژیم قابل مهار و سرکوب نیست.

این دوره نشان داد که سازمان‌های توده‌ای که مبارزه را از سطح پیشروان به ابعادی توده‌ای تر می‌کشاند، نیازی حیاتی است. تجربه این دوره همچنین به همه نیروهای سیاسی نشان داد که باید بیشتر از هر زمانی ضرورت معطوف شدن بیشتر و چرخش برای ایفای نقش و رسالت خود در پاسخگویی به جامعه‌ای که در التهاب‌هایی از حاکمیت این رژیم است برآیند. جسارت، اعتماد به نفس و احساس مسئولیت در برابر کشاکش‌های سیاسی و طبقاتی این دوره از همه نیروهای چپ جامعه می‌طلبد که با همکاری و همگامی بیشتر، هویت سازمانی، متحدانه و مسئولانه این قطب را پررنگ تر سازند.



حقوق بشری به پشتوانه آیه‌های قرآنی و ایدئولوژی دینی، و همه آنچه در این ویرانه سرا و شکنجه‌گاهی به نام ایران در روبرو داریم. با این همه خیزش دی ماه ۹۶ در پی انقلابی درهم شکسته، برآمد و تداوم خواست‌های مترکیم تاریخی، اما با خودویژگی نیروی مادی و طبقاتی، شعارها، گستردگی و بافت و ساختار نیروهای طبقاتی کارگر و فرودست جامعه.

در شماره پیشین جهان امروز نوشتیم: اینک تاریخ مبارزات استثمار شونده‌گان و ستمبران را باید به گونه‌ای دیگر بیان کرد، پیش از ۷ دی و پس از ۷ دی. خیزش دی، انفجار آتشفشانی بود که از این تاریخ و بستر و خواست‌ها، دهان گشود، غسل شد، زمین لرزه آفرید، خروشید، و روان گردید. یک شهاب سنگ آسمانی نبود که در برخورد به آتمسفر و روی زمین جرقه زند و خاموش و خاکستر گردد. یک انفجار نیز نبود که با سوختن، انرژی و سوخت و ساز آن پایان یابد. دی ماه، یک آتشفشان اجتماعی بود، ریشه گرفته از زرفای زمین، که دهان گشود، سرازیر شد و در خیابان‌ها دامنه گسترانید. به بیان شاملوی گرامی:

«بر بام‌های تشنه که برداشته شکاف،
...دیوارهای کهنه شکاف
تا، بر هر پی شکسته، برآید عمارتی»

ویژگی‌های این خیزش:

- برای نخستین بار در تاریخ، نخستین خیزشی بود که از مرکز آغاز نشد. از بزرگترین شهر مذهبی «جهان شیعه»، خروشید. در مرکز امپراتوری خامنه‌ای که دو سه نماینده که یکی از آن‌ها، دژخیم ۶۷-ابراهیم رئیسی - جانشینی ولی فقیه را کاندیدا شده بود. با حرم امام هشتم شان با ۷ هکتار بنای طلا و نقره، با ۲۵ میلیون زیارت‌کننده و توریست، بیش از بیت المقدس، واتیکان و مکه در سال، خاکبوس و زیارت‌کننده و در روز تولدش، سه میلیون تنها در یک روز، با ۲۰ هزار خادم و مامور تمام وقت، و شیپورچی، نگهبان چماق‌های نقره به دست و... مالک ۹۰ درصد از زمین‌های کشاورزی در بزرگترین و پهناورترین استان ایران به صورت وقف در تیول مشارکتی سپاه و ولایت فقیه - دو دولت در دولت - که نه مالیات و گزارشی از دارایی‌هایش، حتی به الله می‌دهد، و نه به ولیعهد مامون خلیفه عباسی، که بیش از هزار سال است در ولایتعهدی برای امپراتوری اسلام در گوری خفته و همچنان با بهره‌کشی از شریان‌ها و خون و هستی ناآگاه و از خود بیگانه فرودستان، با ابزار شعبده، به سود تولید قدس، شمش طلا بر طلا می‌گذارد - و

کارگزاران راس هرم حکومتی، با مساحتی افزون بر دو برابر انگلستان و کمی کمتر از فرانسه با مالکیت ۳۴ درصد کل مساحت ایران در تیول آستان قدس و... با دهها هزار تن از دختران و زنان برای کام‌دهی به مؤمنین در ازای نانی که روز را به شب برسانند، با فتوای صیغه و نکاح مقدس برای یک ساعت تا مدتی، زیر سایه‌ی امام رضا که «ضامن آهو» اما بارگاه طلایی شاهان خراسان، خیزش از اینجا خروشید و در قم مرکز روحانیت و حوزه‌ها با شعار علیه تمامیت حکومت و دین و نیز در بیش از ۱۲۰ شهر شهرک تاروستا دامن گسترانید. و این در حالی بود که طبقه کارگر پراکنده، اما در تمامی شهرها و مراکز تولید و کار در هفت تپه‌ها و اراک و تهران و اهواز و سراسر ایران، روزانه فریاد می‌زدند.

ویژگی‌ها و ریشه‌ها

- ویژگی برجسته خیزش دی‌ماه، خودجوش بودن آن است، علیه روند و پی آمد فلاکت بار نولیبرالیسم؛ علیه روندی که از همان آغاز حکومت اسلامی، دست‌درازی کرد به همه سفره‌ها و خانه‌ها و پستوها، مغزها و با جنگ ۸ ساله و داخلی، و سپس دوران فراخوانی رسمی سپاه به مالکیت و سرمایه‌داران با مصلحت‌گرایی (پراگماتیسم) دولت رفسنجانی در سال ۶۸ به بعد تا کنون، هجومی خشن تر از همه جای دنیا به سفره و نان و زیست فرودستان و حکومت شونده‌گان، با دست‌درازی فلاکت بار سرمایه بازار آزاد در دست الیگارشی‌های دلال مسلح، به تمامی گوشه‌های زندگی و زیست و تامین اجتماعی که با استثمار نیروی کار و ارزش‌های افزوده باید به جامعه باز می‌گشت، اما به هزینه جنگ نیابتی، تروریسم، اسلام و دخالت‌گری‌ها نظامی و سیاسی برای سرکوب جنبش‌ها و سلطه در خاور میانه تا آفریقا و آمریکای لاتین و فساد و انباشت و نقدینه‌های بیش از تمام درآمد و تولید سالانه ایران گردید و همچنان تداوم دارد. نقدینگی از تولید سراسری افزون شد و تا مرز هزار و ۳۰۰ هزار میلیارد تومان گزارش شد و حکومت‌گران اعلام کردند: «با این کار احتمال فاجعه ملی وجود دارد و ممکن است، مقدار نقدینگی کشور در سال ۹۷ به هزار و ۸۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یابد».

- ۷ دی، آشکار شد که، در همن هفته، پول ایران به ۴۱۶۰ تومان در برابر یک دلار سقوط کرد که کمترین میزان در تاریخ این کشور است (آسوشیتدپرس). و به این گونه کاهش ارزش پول ایران، یعنی قدرت خرید مردم، به کمترین میزان در تاریخ این کشور رسیده و قدرت خرید مردم ۲۰ درصد کاهش یافته است. و این روند در روزهای گذشته با افزایش قیمت دلار

به ۴۷۵۰ تومان، قدرت خرید بیش از ۳۰ درصد سقوط داد. رژیم طبقه سرمایه‌دار در ایران، به هدف رفرف مالی، در حالیکه ارزش پول یعنی قدرت خرید به شدت سیر نزولی گرفته بود، نرخ بهره را از ۳۰ درصد به ۱۵ درصد کشانید و این سبب بیرون کشیدن سپرده‌ها شد و نقدینگی بازهم افزون‌تر و در شرایط رکود کامل تولید و ساختمان، بازار به سوی ارزش خارجی روی آورد. نقدینه‌ها به سوی بازار ارز که در دست مافیای حکومتی بود، روانه شد. دلار از مرز ۴۷۵۰ فراتر رفت و پول هنگفتی در دست باندهای حاکم، دوباره بازگشت. این تنش‌های تورم برای افزون به ۷۵ میلیون حکومت‌شونده، کمرشکن شده است.

- ورشکستگی دولت، ورشکستگی صندوق تامین اجتماعی، ربایش پس‌اندازهای مردم با دام‌چاله‌های مذهبی - مالی صندوقهای قرض الحسنه که به صدها بانک رسید، در سال ۱۳۷۲ به عنوان صندوق قرض الحسنه بسیجیان راه اندازی شد و برای فریب ابتدا با نامه‌های مذهبی ثامن‌الحجج، کوثر و... نامگذاری شدند و از بانک مرکزی مجوز سرقت گرفتند، نمونه آن که بعدها به نام ملی‌گرایانه کاسپین تعبیر نام دادند. مردان خدا، در پناه قرآن، سپاه و بسیج و روحانیت، دست در دست هم برای سپرده‌ها و آخرین پس‌اندازهای مردم برای زندگی و پرداخت هزینه‌های هولناک بیمارستان و... دست گشودند و میلیاردها تومان از این سرقت را تصاحب کردند و تقسیم و مالباختگان در سراسر ایران افزون بر ۲ میلیون به فریاد برآمدند. اسفند سال ۱۳۹۴ از هشت تعاونی اعتباری فرشتگان، الزهرا مشهد، حسنات اصفهان، دامداران و کشاورزان کرمانشاه، بدر توس مشهد، پیوند، امیرجلین گرگان و عام کشاورزان مازندران، دام گشودند و تابلوهای فریب مذهبی را پایین آوردند تا برای مصرف‌های بعدی فریب، «مقدس» بمانند و نام‌های پارسی بر آن نهادند تا اگر هم آلوده شود به دامن دام‌های الهی آلودگی ننشینند! همانند «بانک مهر اقتصاد» و «مسکن مهر» که از نهادهای مالی وابسته به بسیج سپاه پاسداران، دهان گشوده در سراسر ایران و همزمان با افزایش چشمگیر شمار بانک‌های «خصوصی» و بنگاه‌های مالی سپاه و ولایت، که شمار آنها به صدها می‌رسید. نهادهای نظامی و سرکوب دین و بازار وابسته به روحانی و حاکمیت اسلامی، اسلام پناه، بانک‌های خود را گشودند، حتی شهرداری تهران بانک شهر را گشود، سپاه پاسداران، بانک انصار، بنیاد مستضعفان، بانک سینا، ارتش، بانک حکمت ایرانیان، نیروی انتظامی، بانک قوامین و بنیاد شهید، بانک دی را

➔ و بزرگترین کارتل اقتصادی و استثمار در خاور میانه، «بنیاد خاتم الانبیا» و درآمد نفت که دولت جانشین و رقیب باندهای دیگر حکومتی (روزنامه ایران: ۸۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی کجا هزینه شده؟ رئیس کمیسیون تلفیق بودجه ۹۶ به بررسی اسناد درآمدهای نفتی سال‌های ۸۷ تا ۹۱ «ابهامات مالی» دولت محمود احمدی نژاد را بار دیگر در فضای سیاسی... اعلام کرد: «اکنون نمی‌توانم به صورت دقیق چیزی را اعلام کنم، اما این یک واقعیت است که در دولت سابق ۸۰۰ میلیارد دلار نفت فروخته شد و انتظار واقعی این بود که با چنین درآمندی، تحول جدی در اقتصاد کشور رخ بدهد، اما این تحول به هیچ وجه رخ نداد؛ طبیعی است و حق داریم بفهمیم که درآمدها چه شده است؟ احتمالا می‌دانیم که بخشی از درآمدهای نفتی این دوران، در قالب منابع سپرده‌گذاری بانک مرکزی وام داده شده است، یا در قالب فاینانس انرژی وام داده شده و در اختیار شرکت‌هایی چون نیکو قرار گرفته است.»

- پرداخت وام‌ها به باند مافیا، به «ژن‌های خوب» و آفازاده بخشیده شد تا هرگز بازنگردانند و برخی هم با سرقت‌های میلیاردی به کانادا یا جزایر امن سارقین بگریزند. و اعتراف کردند که «آمار هست، اما بسیاری موارد سری و محرمانه است و باید در جای خود رسیدگی شود و افشا کردن آن به مصلحت نیست، ... ویژه اینکه بسیاری از این اسناد طبقه‌بندی دارد و باید طبقه‌بندی آنها حفظ شود.» این تنها گوشه‌ای از بستر ربایش از هستی و دسترنج جامعه است که دیمه ۹۶ دهان گشود و توفان در راه دارد.

- در آستانه‌ی خیزش دی، برنامه بودجه سال ۹۷ خشم‌آفرین بود. افزایش سهم ۴۲ درصدی از بودجه برای برادران قاچاقچی سپاه، به ازای حذف بیش از ۳۰ میلیون یارانه بگیران. روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله شنبه (۲۵ آذر ۱۶/ دسامبر ۲۰۱۷) ناخشنود از اعلام علنی بودجه ارگانهای سرکوب و فریب، نوشت: «بودجه سال ۹۷ دولت روحانی نوشت: «حالا که ماجرا از طریق رسانه‌ها به افکار عمومی کشیده شده، باید فکری اساسی برای این موضوع کرد و نمی‌توان بی‌تفاوت از کنار آن گذشت» به بخشی از این بودجه که به ازای زیر ۴ برابرخط فقر نشانیدن دستکم با آمار دولتی، ۱۳ میلیون کارگر یا ۵۳ میلیون نفر خانواده کارگری با دستمزد حداقل ماهیان ۹۱۰ هزار تومانی به اینگونه است:

- «شوراهای عالی حوزه‌های علمیه ۴۴۶ میلیارد تومان، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه نزدیک به

۹۰۰ میلیارد، شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران ۲۷۱ میلیارد و دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم به تنهایی ۹۶ میلیارد اعتبار دریافت می‌کنند.» و به علاوه، صدها میلیارد تومان دیگر صرف دیگر حوزه‌های ضد علم، «مدارس علوم دینی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی طلاب و نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران نیز در سال آینده ۹۴ میلیارد تومان. بنا به برنامه‌ریزی باید هزینه‌ی اعزام مبلغان روحانی، توانمندسازی طلاب رزمی - تبلیغی و برگزاری مراسم، مناسبت‌ها» و «فضاسازی معنوی» شود. سهم سازمان تبلیغات اسلامی جدا از سهم سپاه و نهی از منکر و دیگر بنگاه‌های سرقت اینگونه اعلام شد: سال آینده برای اموری چون «حمایت از فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی تشکله‌ها و آحاد و اقشار تأثیرگذار، هدایت و حمایت از اجرای مراسم و فعالیت‌های فرهنگی، دینی و انقلابی و اطلاع‌رسانی و تبلیغات دینی رسانه‌ای ۱۶۹ میلیارد تومان بودجه» پرداخت می‌شود. در لایحه پیشنهادی «دولت تدبیر و امید» برای «چرخش سانترفیوژها و چرخ جامعه» ۲۱۸ میلیارد تومان برای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی «اعزام استادان و مبلغان به کشورهای مختلف جهان و برگزاری و حمایت از برگزاری مراسم و مناسبت‌های مذهبی و فعالیت‌های قرآنی در خارج از کشور» شود. به علاوه ۳۷ میلیارد تومان برای «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»، ۴۷ میلیارد تومان برای «مجمع جهانی اهل بیت» و به علاوه، سهم «جامعه المصطفی‌العالمیه» که مرکز آن در قم و برای تبلیغ و ترویج اسلام در کشورهای دیگر فعالیت می‌کند، ۳۰۳ میلیارد تومان بودجه و این رشته سر دراز دارد. «شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خواهران» و اعلام شد: «نزدیک ۱۳ برابر کل بودجه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و بیش از دو برابر ۱۳۸ میلیارد تومانی است که برای برنامه حمایت از خانواده و زنان سرپرست خانوار پیش‌بینی شده است». آشکار شد که که از میان ده‌ها بنیاد فریب و سرقت «تبلیغات اسلامی»، تنها دو مرکز (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی) روی هم ۳۰۳ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است. عیسی کلاتری، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان محیط زیست که همزمان مدیریت ستاد «احیای دریاچه ارومیه» را بر عهده دارد هفته گذشته به خبرگزاری ایسنا گفته بود «دولت قادر به تامین بودجه لازم برای احیای این دریاچه نیست و چاره دیگری جز وام گرفتن از بانک‌های خارجی وجود ندارد». به گزارش

خبرگزاری تسنیم (سپاه) امیرعباس جعفری، رئیس سازمان مقابله با تبعات فجایع طبیعی در استان آذربایجان غربی، روز ۲۰ شهریور گفت «اگر تا سال ۲۰۳۰ میلادی جلوی خشک شدن کامل دریاچه ارومیه گرفته نشود، زندگی دست کم ۱۴ میلیون نفر در معرض خطر قرار خواهد گرفت.» و بنا به برآورد کارشناسان با خشک شدن دریاچه ارومیه دستکم، ۵ تا ۶ میلیون از ساکنان این منطقه مجبور به ترک محل و آواره خواهند شد. روزنامه حکومتی می‌افزاید: «این اتفاقی است که هم اکنون در برخی مناطق، از جمله روستاهای اطراف دریاچه هامون روی داده است.»

- این سرقت‌ها در حالی بین باندهای حاکم بنا به توجیهات شرعی اسلامی دست به دست می‌شود که خود باندها از وجود دستکم ۲۴ میلیون انسان به فلاکت نشانیده شده در زاغه‌ها و حلبی‌آبادها، ۵۳ میلیون خانواده کارگری، بنا به آخرین آمار دولتی از زبان عضو «کانون عالی شوراهای اسلامی کار» در البرز، (علی اصلانی) در همین هفته گذشته اعلام کرد: «۱۱ میلیون کارگر با قرارداد موقت که بین ۸۰ تا ۹۵ درصد از کارگران ۱۳ میلیون نفری را در بر می‌گیرند و با خانواده افزون بر ۵۳ میلیون نفر» می‌رسند، بی نان و بی مزد و در حال فریاد و همایش و سرگردان خبر می‌دهند (۹ بهمن ۹۶ سایت ایسنا و الف)

- ارسال موشک و بمب و مهاجرین کار به سوی گرداب مرگ با فریب پاسداری از «حرم بی بی زینب» به سوریه و عراق تا بدون سر، مانند «حججی» یا تنها تابوتی خالی و همچنان جنازه بر جنازه، همه روزه در قم و مشهد و دیگر شهرها در قبرستان‌های دهان گشوده با میهمانان گورخوابی که باید از این منزلگاه نیز رانده می‌شدند، به خاک سپرده می‌شوند، و میلیاردها دلار هزینه جنگ و تروریسم به حزب الله و حشد الشعبی برای سرکوب جنبش ستمکشان در کردستان و پرداخت به حماس و جهاد اسلامی‌ها و پوتین و کره شمالی و چین برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و موشک‌های قاره پیما افزون بر ۲ میلیارد دلار. پرداخت و تامین بمب‌های شیمیایی و موشک برای بقاء سران جنایتکار سوریه، و یمن به حوثی‌ها و همه تروریستهای دولتی و مداخله‌های نظامی به هزینه‌ی بلعیدن دستمزدهای سال و ماه‌ها پرداخت نشده نیروی کار و گرسنگان برآورده می‌شود.

- در حالیکه، زلزله کرمانشاه که همبستگی در سراسر ایران و نفرت از حاکمیت آفرید و با گسل اجتماعی در هم می‌پیوست، واگذاری هزاران خانه به ۱۰ هزار

کهریزک و شوک وارده به جامعه، با تجاوز و آویزان کردن جنازه‌های بر چنگک قصابی اوین و کهریزک در سال ۱۳۸۸، این بار به کاربرد شوک دیگری روی آورد، خوراندن قرص‌های روانگردان از جمله مواد گروه‌های آمفتامین-دیتالین و مشتقات آن، تادستگیر شدگان نوجوان حساس به چنین موادی را به خودکشی و تشنج و مرگ وا دارد. شمار قربانیان و آسیب دیدگان مغزی این جنایت هنوز آشکار نیست، نامها و قتل سینا قنبری در اوین و وحید حیدری در زندان اراک از جمله نام‌ها و قتل‌های حکومتی هستند که خودکشی اعلام شدند. این جنایت

هولناک، اما برای حکومت النصر من الرعب (پیروزی در هراس افکنی است) را سبب نشد. دستگیری هزاران نفر و انباشته شدن زندان‌ها، مقاومت‌های ستایش برانگیز زندانیان سیاسی و کارگران زندانی در همبستگی با خیزش سراسری، از جمله رضا شهبانی کارگر زندانی و عبدی‌ها و دیگر زندانیان سیاسی شجاع، آتنا دائمی در نامه‌ای از زندان اوین

پشتیبانی خود را از جنبش سراسری اعلام می‌کند: «من هم یک شر، فتنه‌گر، آشوب‌گر، اغتشاش‌گر، کف‌خیابانی، جنایتکار و معترضم! این‌ها صفاتی‌ست که این روزها به مردم معترض در ایران نسبت داده شده است...» و از زندان اوین، سهیل عربی، زندانی سیاسی در پی روزها اعتصاب غذا، برای دومین بار پیام می‌دهد:

«...ما براندازیم با جور نمی‌سازیم، ما نمی‌بازیم، بر ظلم می‌تازیم؛ بر ظلم می‌تازیم! شعارمان را از شعوری بیشتر بهره مند سازیم. نه اصلاح طلب نما، نه اصول گرا و نه حتی اعتدالی نما، پایان دهیم به ماجرا..» مرگ بر این حکومت مذهبی! کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد! نان، کار، آزادی! بترسید، بترسید ما همه با هم هستیم! کل حاکمیت را نشانه گرفته، بیانگر عبور از شعار: «نترسید، نترسید...» روی به خویش سال ۸۸ بود، مرگ بر این حکومت فاشیستی! میراث خواران سرمایه از لانه بیرون می‌خزند، سلطنت طلبان و مجاهدین رجوی، و کلیه طیف و اپوزیسیون حکومتی با برخورداری از کلیه امکات تبلیغی و ترویجی به همراه کارشناسانی همانند قارچ‌های زرد سمی روئیده بر پوسته‌های پوسیده‌ی درختان، به تربیون‌های می‌آیند تا راهزنان خیزش شوند، رفراندم بوق بلندگوهای ارتجاع سرمایه می‌شود. تا با فروافتادن حکومت خویش را به یاری گودالوپ دیگری

سرشتی و ساختاری، طبقه در برابر طبقه را نوید می‌دهد. خیزش از دو باند اصلی حکومتیان می‌گذرد، رفرمیستهای شیاد حکومتی را زیر گامهای خود لگدکوب می‌کند. شعارهای مذهبی، دیگر کسی را نمی‌فریبد و در هیچ گوشه‌ای نه در خیابانهای خیزش در قم و نه در مشهد یا اصفهان شنیده نمی‌شوند، یعنی که هر سه باند حکومتی، رهبری-سپاه-دولت-و مذهب حاکم، مردود و مسموم اعلام می‌شوند. مرگ بر جمهوری اسلامی شعار در قم است. مرگ بر این حکومت مذهبی! کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد! نان، کار، آزادی!



بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم! روی به کل حاکمیت، بیانگر عبور از شعار: «نترسید، نترسید...» روی به خیزشگران سال ۸۸ بود، و با مرگ بر این حکومت فاشیستی! سرنگونی کل حاکمیت را فریاد می‌زنند، و «مقدسات» دروغین و استعمارکننده‌ی جان و تن را حتا نه برای موزه، بل که به زباله‌دان می‌خواهد. در برابر خشونت حکومت، اراده کار برد قهر که حق نخستین اش بود، آماده باش است. نشان می‌دهد که اراده‌ی مقاومت و توان پیشروی دارد، مطلق ترس از قدرقدرتی حکومت را از خود به دور ساخته و حکومت با اراده سرکوب، اما به هراس افکننده شده، پریشانی در باندها و زیرباندها و دسته جات آدمکش به آشکارا دیده می‌شود. تهران، مرکز حکومت باندها را با تمامی نیرو پاسداری می‌شود، همین سبب می‌شود که خیزش در شهرها توان آزمون و تجربه‌های مانورگونه مبارزه با دشمن را بیازماید و بتواند و یقین و تجربه کند که باید در آینده، ستادهای سپاه و بسیج و نهادها و پایگاه‌های سرکوب را تسخیر کنند. در این مانور مردمی، حتا برخی شهرها را از اشغال، آزاد کردند. این آزمون زمینگیر ساختن نیروهای سرکوب در شهرهای بزرگ همانند تهران، بزرگترین رزمایش حکومت شونندگان برای رزم نهایی بود.

شوگ، شکست می‌خورد

حکومت با دستگیری‌ها در زندان با تجربه

واحد مسکونی فاقد مالک که در تاریخ ۲۶/۱۰/۲۰۱۶ انجام شده بود، افزوده شد تا لشگر دعا و بسیج روحانیت، دغدغه‌ی مسکن نداشته باشند. بیکاری افزون بر ۵۰ درصدی شاغلین کل جامعه، و میلیون‌ها دستفروش و کوله بر و بیکار و زنان بی‌پناه، و جوانان نا امید و بی‌آینده، و کودکان کار، و به صیغه نشانیدن میلیون‌ها تن از دخترکان خرد سال گرفته تا مادران و زنانی که به فرش خاک کشانیده و نشانیده شده، همه لحظه، بی‌حرمتی و تجاوزهای شرعی و هجوم و تصاحب و تجاوز به هر حریم خصوصی... و

گرگری خواندن و قار قار لاشخوران مرگ گستر و فقه‌ی مارهای غاشیه با عربه‌های نفرتناک، بر فراز منبرها و نوحه‌ها و مداحان و اوباشان قداره بند و قاریان قرآن متجاوز به نوآموزان کتاب کریم و مجید و نورچشمی بیت رهبری و سخن سزاوار مجلس اسلامی چنین قاریانی و ساکنین شهری که پیامبرش گریزان از اولتیماتوم الله و یهوه، که با شهپر ملائکه، باید زیر رو می‌شد تا دیگر، آن سنت را ادامه ندهند

و آن چنان نباشند که سنت شان بود، و قاری از تبار همان شهر لوط، بنا به قصص قرآن، در هر گشایش سالانه با صوت حجاز در دستگاه بیت، فیض بخش مجلسیان اسلامی و تبرک متبرکین و مومنین و مومنات ام‌القراء می‌شد تا به برکت نائل آیند.

- طبقه کارگر پراکنده اما سراسری همه روزه در همایش و اعتراض و آزمون شیوه‌های گوناگون مبارزه طبقاتی، از تومارنویسی گرفته تا راه‌بندان و اشغال و مارش خیابانی و به هم پیوستن بخش دیگر طبقه به سوی سراسری شدن کانون‌ها و شوراهای آموزگاران، و پیوستن مالباختگان چند میلیون نفری و دستفروشان همه روز در جنگ و گریز خیابانی از نادری در اهواز گرفته تا بوشهر و بندرعباس و شیراز و تهران، ارومیه و سنندج و مریوان و سیستان و بلوچستان زیر ریزگردها در حال مرگ و سراسر ایران، با اوباشان و جانیان اجیر شده در شهرداری‌ها به فرمان سرداران اسلامی همانند قالی‌باف‌ها و دیگر جانشینان و همقطاران وی...

اراده‌ای برای خودرهایی در رزمایش خیزشگران

در برابر چنین شرایطی دیگر تحمل ناپذیری، یا مرگ و یا رهایی، فلاکت یا دستیابی به دنیایی انسانی، زنان مردان، نوجوانان و جوانان و نسل انقلاب ۵۷ اراده‌مند، به خیابان‌ها آمدند. با مارش و شیپور قیام که در فرایند خود با چنین

➔ آترناتیو سازند این بار با رفراندمی همانند ۱۲ فرودین سال ۵۸ آری یا نه! خیزش سراسری، و حضور باشکوه زنان با شجاعت درخشان خویش در پیشاپیش، دو ویژگی برجسته این برهه را از دیگر خیزش‌های متمایز می‌کند.

ترامپ ضربه‌ای سنگین به خیزش می‌زند، با اعلام دروغین «ایترننت رایگان و قوی» و «پشتیبانی» که بهانه‌ای برای سرکوب و شکنجه شد. یاران حکومت، از جمله پوتین از کرملین و اسد از خرابه‌های شام و مالکی از دخمه بغداد و اردوغان فاشیست و رهبران چین همه نگران همقطاران خویش در ایران. «دوستان و دشمنان خلق» در این آزمون تاریخی آشکار شدند. همبستگی افکار عمومی در جهان با تحسین خیزش و اعلام پشتیبانی از سوی فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی و آزاداندیشان جهان. اصلاح طلبان و جارچیان حکومتی در خارج و داخل از عباس عبدی‌ها گرفته تا اکبرگنجی‌ها و عطاالله مهاجرانی‌ها شیور خیزش شنیده، شنیده، به مویه درآمدند و در کنار دژخیمان آماده به خونریزی داوطلب سرکوب شدند.

پیش به سوی ترویج شوراها

شعار شوراها و رویکرد شعار کارگران به خیزش‌گران، هر روز در همایش خویش، و پشتیبانی از خیزش سراسری از هفت تپه و اتوبوس‌رانی پیشنازانه امید بخش گردید و این نوید بخش بود کارگران به سوی سیاسی شدن می‌آیند. سال ۵۷ نزدیک به دو سال گذشت که کارگران، به جنبش پیوستند. دی ماه ۹۶ شعار نان، مسکن، کار، آزادی! جز سیاست معنایی نمی‌دهد. با هر شعار حتا خواست دستمزدهای پرداخت نشده، سپاه ضد شورش و گارد ویژه و نیروهای سرکوب و خود حکومت است در برابر طبقه کارگر و ستمکشان به پا خاسته، هرخواست ساده صنفی کار، دستمزدهای پرداخت نشده، آزادی، مالباختگان، کوله‌بران، کودکان کار، زنان کار و خیابان و زنان خیابانهای انقلاب، آونک نشینان، بی سرپناهان، دست فروشان، برای آب، برای هوای تنفسی، برای زندگی، برای دفاع از ارزش‌ها و عزت نفس انسانی، برای بازپس گیری سپرده‌های به دست حکومت الله، و پس انداز خویش از سارقان حاکم و حزب الله ووو سیاسی می‌شوند، خشونت و پاسخ شلیک گلوله‌های سرمایه در برابر دارد. خیزش رو به اعتلا می‌رود، اینک با گذشت بیش از یک ماه، خیزش تاکتیک‌های مبارزاتی دیگری را آزمون می‌کند: شعار نویسی به این گونه بی سابقه است، با همان شعارهای سراسری، رادیکال تر و روشن تر بی هیچ ابهام، شب نامه می‌شوند، در سراسر

ایران روی هر دیوار، یک همایش است که رژه می‌رود با شعارها. ماشین سرکوب، گنج شده است. سرکوبگران هراسیده‌اند. روحانی بر سر قبر خمینی در تجدید عهد با رهبر و سران به گور رفته‌ی خویش، اعتراف می‌کند که به تنگنا ی فروپاشی افتاده اند. امامشان جز استخوانی پوسیده در اعماق جنایت خویش، بی پاسخ است. روحانی، در "تجدید میثاق" با اشاره به سرشت و ریشه‌های انقلاب بهمن ۵۷ خواستار درس‌گیری از سرنگونی سلطنت، همانندی این برآمد را با سالهای ۵۷، اعتراف کرد. روز چهارشنبه (۱۱ بهمن / ۳۱ ژانویه) «گوش همه مسئولین کشور باید در برابر مطالبات مردم و خواست مردم شنوا باشد... رژیم گذشته‌ای که فکر می‌کرد سلطنت‌اش مادام‌العمر است و حکومت سلطنتی ابدی دارد، به این دلیل همه چیز را از دست داد که صدای نقد و نصیحت مردم و صدای مصلحان، ناصحان، علما و بزرگان و فرهیختگان را نشنید. رژیم گذشته صدای اعتراض مردم را هم نشنید و فقط یک صدا شنید و آن انقلاب مردم بود. برای حکومتی که فقط می‌خواهد صدای انقلاب را بشنود، بسیار دیر است.» این یک واگویه به گور خمینی بود یاد آور کورش بخواب ما بیداریم شاه هم در پاسارگاد نبود، یاد آور صدای لرزان شاه در دی ماه ۵۷ بود.

در «آرامش» یادگانی، خیزش زیر پوست شهر و در شریان‌های زندگی

دختران خیابان انقلاب، زنان شجاع روسری‌های اجبار و خواری آور، همانند درفش کاویان بر دست، ایستاده بر فراز سکوها، فراز دیگری از خیزشی است که یگانه می‌شود. حجاب اجباری، نشانه مالکیت و زنجیر اسارت است قرآنی. با گسستن نمادین این زنجیر، تخریب ستون اصلی ایدئولوژی اسلامی است که مورد حمله قرار می‌گیرد و این یکی از اصلی‌ترین ستون‌های حکومت دینی است. زنان خیابان انقلاب، تکثیر می‌شوند، تکثیر شدند، و الگو. رژیم دوباره کیش شد و سراسیمه به پریشانگویی افتاد.

خودانگیختگی و خودجوشی خیزش، ریشه در عینیت‌ها و مادیتی دارد که دینامیسم توده‌های کار و زحمت و لایه‌های پایینی خیزش سراسری گردید. برخورداری از دانش و آمادگی نسبی خودرسانه‌ای و استفاده از شبکه‌هایی مانند تلگرام با بیش از ۴۰ میلیون کاربر در ایران، حفظ پیوند با بیرون و بهره‌گیری بهینه از امکانات موجود با آن همه کنترل ارتش سایبری و نیروهای سرکوب، آزمون و ابزار ارزنده‌ای هستند، در برابر ارتش سایبری و سرکوب و

کلیت نظام.

ضرورت‌ها

به کمبودها و نبوده‌ها چون پرداخته شود، نبود پیشاهنگ انقلابی حزب کمونیستی را می‌توان مهمترین کمبود نامید. این نیروست که می‌تواند با سازمانیابی از درون، با برخورداری از دانش مبارزه طبقاتی و تجربه، راه دشوار و پستی و بلندی‌ها پرتو افکند که مانورها را بشناسد و روشناسی و ذهنیت‌ها را بداند، در وقت ضرور، عقب نشینی تاکتیکی و موضعی و حمله و گریز را بشناسد، انتخاب شعارها، تشخیص تاکتیک‌های، تشخیص شایعه‌های دشمن برای انحراف و سردرگمی مبارزه، سازماندهی نیروها، گامهای سنجیده، پرهیز از اقدام‌های زودرس و نابه‌هنگام، انتخاب درست شعارهای ترویجی برای اقدام فوری و تبلیغی برای آینده و تهیج‌های لازم، شناسایی نفوذی‌ها، تحریکات و تحریکاتچی‌های دشمن، ایجاد هراس و پراکندگی در صفوف دشمن و وارد آوردن ضربه در مجال مناسب و لحظه‌های طلایی. در خیزش دی و تا اکنون در ادامه خودجوشی و خودانگیختگی و نپذیرفتن رهبر و سلطه بر فراز سر، و هر می، نپذیرفتن هژمونی نه شاه نه اصلاح طلب درونی و برون حکومتی، و عبور از دین و ترندهای حکومتیان، بزرگترین جلوه و پیش شرط بود که باید هشیارانه ادامه یابد. و این امتیازی سترگ که به تجربه مشروط و مداخله انگلستان، کودتای رضا خانی اسفند ۱۲۹۹، کودتای محمدرضا شاهی سال ۳۲، راهزنی خمینی و کارگزاران و دولت‌های توطئه در گوادالوپ در قیام بهمن ۱۳۵۷ و یا حسین میر حسین سال ۸۸ را آلوده نیست، این شاخصه اما با شعارهای انحرافی یادکرد از بازگشت رژیم پهلوی، با توجه به پشتیبانی اپوزیسیون بورژوازی و سرمایه جهانی به وقت جایگزینی می‌تواند آسیب پذیر باشد. شاخص نه شاه، نه ملا، پیش به سوی شورا! هم رفراندم و هم آترناتیو سرمایه جهانی را به چالش می‌گیرد. این یک دستاورد بزرگ است؛ اما خطر همیشه در کمین. شعارهای انحرافی «ایران که شاه ندارد، حساب کتاب ندارد» و "رضاشاه روح شاد"، «نه غزه، نه لبنان...»، شعار رفراندم به ویژه برخورداری از تمامی عناصر تبلیغاتی و رسانه‌ای و شبکه‌های اینترنتی سرمایه جهانی، می‌تواند به کژ راهی مجلس موسسان و پارلمانتاریسم چرخانیده شود. حکومت اسلامی، با هراس افکنی سوریه‌ای شدن، داعشیسم و تجزیه ایران، هرچند نتوانست دستاوردی داشته باشد، اما نباید این شعارها را خرد پنداشت، هشیارانه باید آمادگی خنثی‌گری داشت. پذیرش شعارهای انحرافی شونویستی ضد

فرشید شکری

اوجگیری اعتراضات و اعتصابات کارگری

مقدمه

طی هفته ها و روزهای اخیر شاهد تجمع اعتراضی کارگران کاغذ سازی پارس، تجمع اعتراضی کارگران کیان کرد مقابل این کارخانه، اعتراض کارگران شهرداری بندر ماهشهر، اعتراض کارگران راه آهن در نقاط مختلف ایران، تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری پتروشیمی فجر، تداوم اعتصاب غذای کارگران پتروشیمی بندر امام، اعتصاب و تجمع کارگران قراردادی مترو تهران، تداوم اعتصاب و تجمع کارگران تراورس، تداوم تجمع کارگران کاشی نیلو در اصفهان، تجمع کارگران اداره راهداری و حمل و نقل کهگیلویه و بویراحمد، اعتراض کارگران شرکت فولاد آلیاژی ایران علیه قانون جدید بازنشستگی، و غیره.

اینها فقط نمونه هایی از ده ها اعتراض و اعتصاب کارگری در مراکز گوناگون تولیدی و خدماتی در ایران هستند. واقعیت این است که، تشدید بحران سرمایه داری ایران، و پیامدهای عملی سیاست اقتصادی نئولیبرالیستی و ریاضت اقتصادی، و حملات هر روزه ی کارفرمایان و دولت شان به حقوق کارگران که آثار و تبعات مخرب و بغایت ویرانگری بر کار و معیشت و حیات طبقه ی کارگر داشته اند، عوامل اصلی و واقعی رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در اغلب کارگاهها و کارخانه ها، و اماکن خدماتی در کشور هستند.

اعتصابات کارگری سلاحی علیه سرمایه

اعتصاب راهکاری جهت مقابله با تعرضات کارفرمایان و خریداران نیروی کار است. اعتصاب ابزاری بسیار کارآمد برای تحمیل و دستیابی به مطالبات و خواست های صنفی، و حتی «سیاسی» به سرمایه داران و دولت اشان به شمار می رود. اعتصاب و دست کشیدن از کار که مؤید درجه ایی از سازمانیافتگی کارگران در محل های کار و تولید می باشد، بدنبال شکل گیری طبقه ی کارگر مدرن در بطن وجه تولید سرمایه داری و شروع کشمکش طبقاتی میان پرولترها و بورژواها، همیشه به مثابه سلاحی برنده در پیکار علیه استثمارگران بکار رفته است. اعتصاب پاسخی محکم به تعرضات سرمایه است، و همچون مدرسه ایی به رشد و ارتقاء آگاهی کارگران

عرب و دیگر ملیت ها که همبستگی را خدشه دار می کنند، رفراندم و نوستالژی روایتی دوران سلطنت که تا کنون در هیچ سرزمینی پس از سرنگونی، بازگشتی نبوده، از سوی شماری در خیابانها، نباید ناچیز و خرد انگاشته شوند. این ذهنیت می تواند به یک گرایش جدی تبدیل شود و درنبود پیشاهنگ انقلابی هژمون خیزش گردد. پیش به سوی تشکیلات هسته های شورایی، کمیته های کارخانه، شوراهای محلات، طرح خواسته های کارگران، زنان، کودکان کار، دانشجویان مردمی، ملیت های زیرستم، آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، نان، کار، مسکن، آزادی، رفرمهایی که جز با سرنگونی حکومت اسلامی و سازمانیابی شوراهای ساختار یافته از کارگران و فرودستان و زنان، هیچ ضمانت اجرایی ندارند، از جمله شعاری هستند که باید و می توان از هم اکنون به وسیله فعالین جنبش کارگری، سوسیالیستی و آزادیخواهان، به میان جامعه ترویج شوند. ضرورت های یاد شده، به تداوم خیزش بستگی حیاتی دارد، ضمانت تکامل، غنا، استواری و سراسری شدن سازمانیافته و هماهنگ، رهبری طبقاتی کارگری، سازمانیابی و دستیابی به آموزش، آگاهی و پیشاهنگ انقلابی، در گرو تداوم و پیوستگی خیزش است. کارگران در همایش اند، همه روزه انبوه تر، با رهبری های محلی و ناپیوسته، اما بی سازمان و هنوز برنیامده به سازمانیافتگی طبقه ای برای خود، یعنی خودرهایی برای سازماندهی انقلابی و پیشاهنگی خیزش تا جنبش کارگری بر پیشانی و تارک این خیزش راهبر باشد، برای رهایی همه حکومت شونداگان. سازمانیابی بلوک و قطب نیروهای جنبش سوسیالیستی، با محوریت سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، نخستین پیش شرط این نیروی راهبردی است.

یاری می رساند. با شروع یک اعتصاب، کارگران اعتصابی تضاد منافع طبقاتی خود با صاحب کار یا کارفرما را بهتر از هر زمانی درک می کنند. وقتی نیروهای سرکوبگر نظامی و انتظامی برای دفاع از کارفرما و شکستن اعتصاب وارد عمل می شوند، کارگران به ماهیت طبقاتی دولت و امر آن که همانا پاسداری و حراست از منافع سرمایه داران و اعمال دیکتاتوری طبقاتی است، پی می برند. اعتصابات کارگری در عین حال بستر بسیار مناسبی را برای امر تشکل یابی طبقه ی کارگر مهیا می سازد. در واقع، تشکل یابی طبقه ی کارگر رابطه ی مستقیم و تنگاتنگی با چالش های کارگری دارد و هیچگاه این امر در خلاء مادیت نخواهد یافت. مضاف بر اینها، اعتصابات و یا اعتراضات کارگری باعث می شوند تا فعالیت های تبلیغی و ترویجی کارگران کمونیست و پیشروان رادیکال کارگری در راستای انتقال آگاهی سیاسی - طبقاتی بدرون توده های کارگر، بهتر جواب دهند. قدر مسلم حصول و گسترش آگاهی سیاسی - طبقاتی به آماده شدن توده های کارگر برای در پیش گرفتن مبارزات ضد سرمایه داری، انقلابی و آشتی ناپذیر منجر خواهد شد.



نکته ی درخور تأمل دیگر این است که کارگران اعتصابی فارغ از نژاد و زبان و جنسیت، عقاید مذهبی، و ... بازو در بازوی همدیگر تصویر شفاف انگیزی از اتحاد طبقاتی اشان را در برابر سرمایه داران و دولت اشان به نمایش می گذارند. کارگران اعتصابی و معترض می دانند، چنانچه تا پایان کار و تا تحقق مطالبات مطروحه اتحاد خود را حفظ نکنند، اعتصاب اشان بسادگی با شکست مواجه می گردد. آری، در میدان جدال و مبارزه علیه سرمایه داران، این درس و تجربه ی بس گرانبقدر یعنی رل وفاق و اتحاد در کسب پیروزی، فرا گرفته می شود. چنین اتحاد و همبستگی ایی که در پرتو اعتصاب و اعتراض در محیط های کار و زحمت نمود می یابد و کارگران آنرا به نحو احسن در معرض دید همگان می گذارند، بطور قطع در یک یا چند رشته ی تولیدی و خدماتی، در چندین شهر، و نهایتاً در کل کشور با تلاش و جدیت کارگران کمونیست و پیشروان و رهبران رادیکال طبقه ی کارگر برای بیرون کشیدن جدال های کارگران از پراکندگی، امکان پذیر است.

از سوی دیگر، اعتصابات و اعتراضات کارگری نقش مهمی در تشدید فشار سیاسی

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

سرمدیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب جهان-نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ۴ با سایز ۱۲ است.

سه سال، نه تنها حاکی از عدم مهار جنبش کارگری توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی است، بلکه خود این چالش‌ها و پیکارهای کارگری به زنده نگهداشتن، تقویت و پویایی فضای مبارزاتی کشور خدمت شایانی کرده است. خیزش و برآمد شورآفرین توده‌های ستمدیده‌ی ایران در دی ماه سال جاری، و روزهای گذشته (بهمن ماه) مهر تأییدی بر این واقعیت است.

برآمد اعتراضی توده‌های محروم و فقر زده‌ی جامعه علیه فقر و گرسنگی و بیکاری، و تمامی تبعیضات و بی‌حقوقی‌های موجود که جدال و مبارزه برای سرنگونی رژیم بورژوا - اسلامی و به زیر کشیدن نظام سرمایه داری را وارد فاز جدیدی کرده، تحت تأثیر اعتراضات و اعتصابات بدون توقف کارگری این موقعیت را یافته است. خیزش و تظاهرات اخیر در شهرهای کوچک و بزرگ ایران، ثابت نمود که چگونه تشدید کشمکش و تضادهای طبقاتی میان کار و سرمایه، روی توده‌های تحت ستم اثر می‌گذارد و به چه نحو جوانان، زنان، لشکر بیکاران، و گرسنگان و فقر زدگان جامعه برای تعیین تکلیف با وضعیت فلاکت‌بار کنونی وارد میدان نبرد می‌شوند. صد البته انسانهایی که با شعار «کار و نان و آزادی» به نبرد و رویارویی با رژیم ضد کارگری حاکم اهتمام ورزیده‌اند، همان میلیون‌ها کارگر بیکار و اخراجی، همان جوانان تحصیل کرده و بیکار، و همان توده‌های مردم تهیدست حاشیه‌ی شهرها هستند که رژیم را وحشت زده کرده‌اند. این جنبش که جنبش بی‌چیزان، و در اصل جنبش اعتراضی بخش‌هایی از طبقه‌ی کارگر ایران است، با بورژوازی لیبرال و لایه‌های مرفه خرده بورژوازی، و نیز جناح اصلاح طلب رژیم، مرزبندی دارد و مطالباتش با خواست‌های طبقات بالایی و میانی جامعه کاملاً متمایز است. بدون اندک تردیدی، این جنبش در پی تعیین تکلیف نهایی با کلیت رژیم سرمایه داری حاکم و تحول در وضع موجود است.

با این تفصیلات، پیشروی‌های بعدی این جنبش به جوش زدن و ایجاد پیوند با برآمدهای کارگری بستگی دارد. هر اندازه این جنبش اعتراضی توانمند باشد، اما توانایی مقابله‌ی همه‌جانبه با نیروهای سرکوبگر و جنایتکار رژیم بورژوا - اسلامی را ندارد. از اینرو، بایستی ضمن کار و فعالیت به منظور متصل کردن آن با جدال‌های کارگری، به اشکال مؤثرتر مبارزه همچون اعتصابات عمومی و سراسری روی آورد. از این طریق میشود جلوی نیروهای نظامی و انتظامی رژیم ایستاد و ظرفیت سرکوب آنان را از کار انداخت. از این راه می‌توان توازن قوا را به ضرر نظم اقتصادی - سیاسی حاکم تغییر داد و ضربه‌ی نهایی را بر پیکرش وارد کرد.

چهارم فوریه ۲۰۱۸

بر هیأت حاکمه دارند زیرا خیلی سریع نظر توده‌های مردم فرودست و رنج‌دیده‌ی جامعه را به سوی خود جلب می‌سازند و زمینه‌ی پشتیبانی آنان را از کارگران معترض و مطالباتشان فراهم می‌آورند. بنابر این، می‌توان گفت، هزینه‌ی سیاسی اعتصابات کارگری برای سرمایه داران و حکومت آنها بمراتب بیش از هزینه‌ی اقتصادی اشان خواهد بود.

تأثیر اعتراضات و اعتصابات کارگری بر فضای سیاسی جامعه

اعتصابات کارگری به ترک برداشتن دیوار سرکوب و اختناق، و بیرون کشیدن جو سیاسی جامعه از رخوت و سستی کمک می‌کنند. تجربیات تاکنونی در جهان بر تأثیر بسزای اعتصابات کارگری در مراکز تولیدی و خدماتی بویژه اعتصابات سراسری - که آزمون بزرگ و با ارزش متشکل و متحد شدن طبقه‌ی کارگر و عرصه‌ی بروز ابتکارات انقلابی و بسط آگاهی سیاسی - طبقاتی کارگران بشمار می‌آیند - بر فضای سیاسی جوامع و تغییر توازن قوا به نفع توده‌های فرودست و ستمدیده، و ایضاً پیروزی و غلبه‌ی ایشان بر ستمگران و استثمارگران دلالت دارد. با نگاهی اجمالی و گذرا به مقطعی از تاریخ ایران، این اثر گذاری را کاملاً آشکار می‌نماید.

در قیام سال ۱۳۵۷ خورشیدی کمیته‌های اعتصاب از کارگران مبارز و انقلابی تشکیل گردید. آن کمیته‌ها از دل محافل کارگران پیشرو بوجود آمدند که خود آن محافل کارگری در اصل یگانه شکل سازمانیابی مستقل کارگران در آن دوره به حساب می‌آمدند. همزمان با این، تعداد زیادی از اماکن مهم کارگری کشور از جمله گمرکات، آب و برق، بنادر و کارخانه‌های مختلف در تبریز، تهران، قزوین، اراک، اصفهان، رشت و سایر شهرها به صحنه‌ی مبارزه علیه حکومت استبدادی - سرمایه داری پهلوی کشیده شدند. کارگران آن مراکز به طور هماهنگ به اعتصابی سراسری دست بردند. در آن اعتصاب شکوهمند خواست آزادی زندانیان سیاسی، لغو حکومت نظامی، و سرنگونی حکومت پهلوی مضمون واحد مطالبات کارگران اعتصابی بود. آن اعتصاب دستگاه حاکمیت را شدیداً به هراس انداخت. در همین گیر و دار، دیری نپایید که اعتصاب فراموش نشدنی کارگران شرکت نفت که با آن حرکت کمر رژیم محمد رضا پهلوی را شکستند و بدین ترتیب رهبری قیام توده‌های پیاخاسته را عملاً از آن خود ساختند، سازماندهی شد. وقایع یادآوری شده، نقش و جایگاه بس با اهمیت اعتصابات سراسری در به پیروزی رسیدن قیام ۵۷ را به خوبی نشان می‌دهند.

در این دوره هم، افزایش چشمگیر اعتراضات و اعتصابات کارگری، علی‌الخصوص در این دو -

تماس با
کمیته تشکیلات دلال کشور
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات
دلال کومه‌له (کوشن)

takesh.komalah@gmail.com

فریدون ناظری

عفرین: پرتگاهی برای مرتجعین و امپریالیست ها

پایه ای ترین دلایل حمله ترکیه

به عفرین:

از جولای ۲۰۱۲ که خیزش توده ای ارتش سوریه را ناچار به رها کردن اکثر مناطق کردستان کرد دولت ترکیه به فکر تضعیف مقاومت و مبارزه مردم و سرانجام نابودی سیستم خود مدیریتی آن بوده است. اما آنچه که اکنون رسیدن به این هدف را برای بورژوازی، دولت و ارتش ترکیه عاجل کرده بیرون راندن تروریست های داعش در شهر رقه توسط "نیروهای سوریه دموکراتیک (ق.س.د)" با محوریت "یگان های دفاع از خلق، (ی.پ.گ)" و "یگان های دفاع از زنان (ی.پ.ژ)" می باشد.

"ق.س.د" با استفاده از حمایت هوایی و لجستیکی دولت آمریکا بعد از ۴ ماه نیروهای داعش را در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۷ از شهر رقه، پایتخت حکومت پویشی اسلامی داعش، بیرون راندند. بی.بی.سی در همین روز نوشت: "مطابق اعلام نیروهای دموکراتیک سوریه، شهر رقه و حومه اش بخشی از "سوریه دموکراتیک فدرال و تمرکززدایی شده" است.

نیروهای دموکراتیک سوریه می گویند از رقه در مقابل "تهدیدهای خارجی" محافظت خواهند کرد، اما در نهایت مردم عمدتاً عرب این شهر و اطرافش درباره سرنوشت آن تصمیم می گیرند.

بورژوازی و ارتش ترکیه، که در حال حاضر حزب عدالت و توسعه (آک پارتی) و طیب رجب اردوغان آنها را نمایندگی می کنند، سالها کوشیدند تا سیستم خود مدیریتی و نیروهای مسلح آنها در خون غرقه کنند. آنها برای رسیدن به این مقصود مرتجع ترین نیروهای تروریست اسلامی نظیر داعش، جبهه النصره (هیته تحریر الشام کنونی) و دیگر پس مانده های القاعده را پرورده و تقویت کردند و به جان کانتون ها و نیروهای مسلح آن انداختند. سرکوبگران و بورژوازی ترکیه بویژه امیدوار بودند داعش، به نیابت از جانب آنها، در کوبانی "ی.پ.گ/ی.پ.ژ" را در هم بشکند و راه را برای برچیدن خونین سیستم کانتونی روزآوا هموار سازد. پس از آنکه نیروهای داعش ضربه خورده، شکست خورده و هراسان در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۵ (۶ بهمن ۱۳۹۳) عقب نشستند مرتجعین ترکیه پریشان شدند. با اینحال آنان به تداوم حاکمیت داعش در سوریه و حمله دوباره آن به کانتون ها امید

بستند. با راندن داعش از رقه توسط "ق.س.د" مرتجعین حاکم بر ترکیه به این نتیجه رسیدند که باید شخصا وارد میدان مبارزه با "ق.س.د" شوند و تلاش کنند تا سیستم خود مدیریتی را در خون غرقه سازند. آنها وجود به اصطلاح "تروریست" ها در عفرین را بهانه کرده و از ۱۹ ژانویه از هوا و ۲۰ ژانویه از زمین و با جلو انداختن ۲۲ هزار مزدور اسلامی به نام بی مسمای "ارتش آزاد سوریه" حمله به عفرین را شروع کردند. کاربدستان "آک پارتی" که اسناد فراوانی از تروریست پروری و اقدامات تروریستی را در پرونده دارند، تا کنون نتوانسته اند حتی یک اقدام تروریستی را نشان دهند که توسط "ی.پ.گ/ی.پ.ژ" و به طریق اولی توسط آنها از داخل شهر و منطقه عفرین انجام گرفته باشد.

عفرین:

عفرین یکی از کانتون های سه گانه و جدا افتاده روزآواست که ارتش ترکیه و مزدوران آن با تصرف شهر جرابلس و تسلط بر مناطق مابین عفرین و کوبانی از بهم پیوستن آن با دو کانتون کوبانی و جزیره جلوگیری کردند. عفرین در حال حاضر بخشی از "فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه" می باشد. اکثر ساکنین شهر و منطقه عفرین کرد هستند و بقیه شامل اقلیت های عرب، آسوری، ترکمن و سایر اقلیت ها می باشند. جمعیت این منطقه حدود ۲۰۰ هزار نفر برآورد شده است. ۸۰ هزار نفر آنها در شهر عفرین ساکنند. مردم منطقه به قولی دوبرابر جمعیتشان عرب آواره و سایر اقلیت های سوریه را همچون مهمان بر سر سفره های خود آورده و در اداره امور شریک کرده اند. پس از تاسیس حاکمیت کانتونی و دموکراسی مردمی توسط ساکنین منطقه، شهر عفرین و پیرامونش در آرامشی مثال زدنی زیسته اند. که خار چشمان بورژوازی و حاکمیت ترکیه بوده است.

عفرین اکنون به مرکز امید آزادیخواهان و نیز برخوردار منافع دولت های منطقه و در پیشاپیش آنها ترکیه و سوریه، دول امپریالیستی آمریکا و روسیه (که دولت چین از آن حمایت می کند) و سیستم خود مدیریتی حاکم بر شمال سوریه و روزآوا و خود دولت بعث سوریه، تبدیل شده است. در این قسمت فقط به منافع دولت ترکیه و دولت آمریکا اشاره می شود.

ترکیه:

بورژوازی و کابینه "حزب عدالت و توسعه" (آک پارتی)، به رهبری اردوغان، همیشه در صدد بوده اند تا از طریق قتل عام و خونریزی در مقیاسی توده ای حکومت خود مدیریتی روزآوا را طوری از میان بردارند که موجب وحشت کردهای ترکیه گردد. آنها این دموکراسی از پائین، نیروهای فعال و نیروهای مسلح محافظ کانتون ها و حزب الهام بخش آنها یعنی "حزب اتحاد دموکراتیک" (پ.ی.د)، را عمیقاً دشمن می دانند. آنها حزب اخیر را، که همبسته ی "حزب کارگران کردستان پ.ک.ک" می باشد، تروریست می خوانند تا به بهانه آن بتوانند سیاست های ضد انسانی خود در کشورهای ترکیه و سوریه را عملی سازند. تمام دول بزرگ سرمایه داری با از بین رفتن سیستم خودمدیریتی، با بورژوازی و دولت ترکیه توافق دارند. اما در شیوه از بین بردن این سیستم با همدیگر هم نظر نیستند. به همین جهت آنان در تروریست خواندن "پ.ی.د" و "ی.پ.گ" با دولت ترکیه توافق ندارند.

تجاوز به عفرین:

بنا بر ادعای بی اساس مذکور ارتش متجاوز ترکیه، مجهز به تمام ادوات جنگی، مزدوران "ارتش آزاد سوریه" با ۲۲ هزار نیرو و با استفاده از پوشش هوایی ۷۲ جنگنده در ۱۹ ژانویه (۲۹ دیماه ۹۶) عملیات تجاوزکارانه تحت عنوان عملیات "شاخه زیتون" را شروع کردند. حریم هوایی سوریه در این قسمت تحت حفاظت حکومت روسیه بود که به روی بمب افکن های ارتش متجاوز باز گذاشته شد. روسیه در منطقه نیروی زمینی نیز داشت. امپریالیسم روسیه قبلاً به "نیروهای سوریه دموکراتیک" و از این طریق به "ی.پ.گ" فشار آورده بود تا عفرین را به دولت ترکیه بسپارند. حکام روسیه وقتی با رد درخواستشان مواجه شدند نیروهای زمینی خود را از منطقه خارج کردند و با کسب امتیازاتی از ترکیه در ادلب به ترکیه اجازه حمله همه جانبه دادند.

نیروهای مجهز ترکیه به دستور اردوغان با این هدف اولیه به عفرین حمله کرده اند تا نیروهای مسلح مردمی را از شهر و منطقه عفرین بیرون کنند. آنها در همین مدت فضای پلیسی در داخل ترکیه را تقویت کرده و در

دموکراتیک شمال سوریه ارزیابی می کند. مدافعین این نظر می گویند که دولت آمریکا یک مؤلف تاکتیکی می باشد که در برهه ای از زمان منافعش با منافع "کانتون ها" همسو شده و هرگاه این همسویی از بین برود علیه سیستم خودمدیریتی اقدامات را شروع خواهد کرد. صالح مسلم، عضو کمیته دیپلماسی جنبش جامعه دموکراتیک TEV-DEM و یکی از رهبری دوگانه قبلی "حزب اتحاد دموکراتیک" در گفتگویی به زبان دیپلماتیک اعلام کرد که "هیچوقت امیدی به آن نداشتند که نیروهای بین المللی از آنها دفاع کنند و فقط روی نیروی مردمی خود حساب کرده اند." (۱)

همین گرایش از مدتها پیش مردم را برای رویارویی با حمله ارتش ترکیه و مزدوران "ارتش آزاد سوریه" در عفرین سازمان داده و آماده کرده است. از نظر مسئولین آمریکایی حمله به عفرین، که با پیش بینی پیروزی ارتش ترکیه و مزدوران "ارتش آزاد سوریه" همراه می باشد، می تواند به تضعیف گرایش مذکور بیانجامد.

آینده:

در اینجا دو نیرو روبروی هم صف بسته اند که امکانشان به طور نسبی قابل ارزیابی است.

۱. ترکیه:

الف: ارتش

یکی از جنایتکارترین و بی رحم ترین ارتش ها و نیروی امنیتی را دارد. نوشته اند این ارتش (شامل نیروی دریایی، هوایی، زمینی و گارد ژاندارمری) در ۲۰۱۲ بیش از ۷۰۰ هزار پرسنل داشته و به این لحاظ ششمین ارتش در جهان و دومین در ناتوست. اردوغان بر همین مبنا ادعا کرد نیروهای مدافع شهر و منطقه عفرین را در زمانی بسیار کوتاه شکست خواهد داد. کارشناسان نظامی نوشته اند این ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه بعد از سرکار آمدن (آک پارتی) با چند تصفیه مواجه شده است. بی.بی.سی (۲) در ۲۰ جولای ۲۰۱۶ (۳۰ تیر ۹۵) نوشت که پس از شکست کودتا بلافاصله ۷۵۰۰ نظامی، از جمله ۸۳ تیمسار بازداشت و ۱۰۰ مقام امنیتی منتظر خدمت شدند. در نتیجه اوضاع سیاسی، اقتصادی و تصفیه ها قدرت نیروهای نظامی و امنیتی به لحاظ آموزش، روحیه و انسجام رو به تضعیف بوده است. این نیرو که از همان ابتدای شکل گیری ترکیه در اوایل دهه بیست در کشتارهای جمعی کردها و سایر اقلیت ها و تا رویارویی مداوم با جنبش های کارگری، جنبش زنان، سایر جنبش های اجتماعی و جنبش کردستان دست داشته به شدت منفور بخش قابل توجهی از



شده از ارتش سوریه و سایر عرب های متوهم به آمریکا به داخل "نیروهای سوریه دموکراتیک" از رادیکالیسم چپ گرایانه "ی.پ.گ" بکاهند. آمریکا، که قبلا حاضر به دادن تجهیزات پیشرفته و سلاح های سنگین به "نیروهای سوریه دموکراتیک" نبود، وقتی تعداد عرب های مورد نظر فرماندهان آمریکایی به میزان قابل توجهی رسیدند ارسال اینگونه کمک ها شروع شد. دولت ترکیه در تمام این مدت عدم رضایت خود از اقدامات آمریکا را گوشزد می کرد. اما آمریکا، که به منحط کردن درونی سیستم خود مدیریتی کمر و امید بسته بود، نگرانی ترکیه در این عرصه را بیهوده قلمداد می کرد.

تمام شواهد و اظهار نظرهای بعضی مقامات وزارت خارجه آمریکا نظیر تیلرسون نشان می دهد کابینه ترامپ سرانجام با حمله ارتش ترکیه و مزدوران ارتش آزاد به عفرین موافقت کرده است. اما ترامپ و سایر اعضای کابینه اش از اردوغان خواسته اند تا عملیاتش را به خود عفرین محدود سازد. همانطور که ذکر گردید رئیس جمهور "گیج شده" ی ترکیه گفته است که گذشته از عفرین به شهر منبج نیز حمله کرده و از آنجا تا مرز عراق خواهند رفت. فرماندهان و مسئولین آمریکا در منطقه خبر داده اند که نیروهای آمریکایی موجود در منطقه منبج باقی خواهد ماند.

سئوالات مطرح:

چرا دولت آمریکا، که به شدت به "ق.س.د" شامل "ی.پ.گ" (که به لحاظ ساختاری "ی.پ.ژ" جزیی از آنست) نیاز دارد، پس از چند سال به دولت ترکیه، همپیمان خود در ناتو اجازه داده به عفرین حمله کند؟ جواب این سؤال در عدم پیشرفت کافی آمریکا در منحط کردن سیستم خود مدیریتی از درون و گوش به فرمان کردن "ی.پ.گ" نهفته است. در داخل فعالین کانتون ها و "ی.پ.گ" گرایشی هست که اتکای تمام و کمال به آمریکا را به زیان جنبش کانتونی در کردستان و فدراسیون

نخستین یورش ۳۰۰ نفر از فعالین ضد جنگ را دستگیر کردند. طبعاً هدف نهایی دولت ترکیه غرقه در خون کردن سیستم خودمدیریتی و فعالین و حامیان آنست. با توجه به این هدف غایی است که اردوغان اعلام کرده که پس از اشغال عفرین به شهر منبج حمله خواهد کرد که عمدتاً عرب نشین بوده و طبق خواست اهالی با سیستم خودمدیریتیش بخشی از "فدراسیون دموکراتیک شمال سوریه" می باشد. به ادعای اردوغان ارتش و مزدوران ترکیه از آنجا تا مرز عراق پیش خواهند رفت تا در مناطق اشغال شده منطقه حائل و به اصطلاح امن به عمق سی کیلو متر و وسعت ۷۰ کیلومتر ایجاد نمایند. اردوغان گفته سه و نیم میلیون آواره سوری را در این منطقه جای خواهند داد. آنها به این ترتیب قصد دارند ترکیب کردی جمعیت منطقه را عوض کنند.

آمریکا:

بر اساس اعلام رکس تیلرسون وزیر خارجه آمریکا، ایالات متحده آمریکا قصد ماندن در سوریه را دارد و مقابله با نفوذ ایران (هم پیمان روسیه) فوری ترین اولویت استراتژیک دولت ترامپ در سوریه پس از مقابله با داعش تلقی می شود. بر طبق سند "استراتژی امنیت ملی آمریکا" که در اواخر دسامبر ۲۰۱۷ منتشر گردید، هدف اصلی آمریکا مهار دول چین و روسیه در جهان (و لاجرم در سوریه) در مسیر احیای (توهم آمیز) هژمونی آمریکاست. بنابراین "فوری ترین اولویت استراتژیک دولت ترامپ" در سوریه را باید در این چهارچوب فهمید.

کابینه ترامپ نمی خواهد بیش از ۲۰۰۰ نفری که در پایگاه هایش بویژه در منطقه منبج دارد، نیروی دیگری برای تحقق استراتژیش را وارد سوریه کند. به همین جهت به همکاری "نیروهای سوریه دموکراتیک" (ق.س.د) نیاز دارد.

(ق.س.د):

جنبش جامعه دموکراتیک KCK که در روزاوا TEV-DEM خوانده می شود (ق.س.د) را در ۲۰۱۵ سازمان دادند. ضرورت تشکیل این نیرو وقتی پیش آمد که ی.پ.گ/ی.پ.ژ بعد از شکست نیروهای داعش در کوبانی به سرعت مناطق وسیعی در شمال سوریه را متصرف شدند که بخش قابل توجهی از جمعیت آنها غیر کرد و بویژه عرب بودند. برای TEV-DEM کسب اعتماد جمعیت غیرکرد ضرورتی اساسی داشت. سازمان دادن این نیرو مورد رضایت دولت آمریکا نیز بود. زیرا آنها امیدوار بودند با جذب نیروهای جدا

اگر پشتیبانی جهانی در ابعاد مورد نظر جلب شود و به مقاومت های مسلحانه قهرمانانه موجود گره بخورد شکست تاکنونی ارتش متجاوز ترکیه و مزدوران آن همیشگی خواهد شد.

(۱) "صالح مسلم: ما هیچوقت روی نیروهای بین‌المللی حساب نکردیم" خبرگزاری فرات، ۲۵ ژانویه ۲۰۱۸

(۲) بی بی سی، کودتای نافرجام ترکیه: اردوغان چه کسانی را پاکسازی می‌کند؟

(۳) Turkey's economy is one of the world's fastest-growing, But for how long?, ۴ January ۲۰۱۸

(۴) ویکی پدیا:

نیروهای سوریه دموکراتیک یا ارتش دموکراتیک سوریه (به انگلیسی: The Syrian Democratic Forces, به کردی: Hêzên Sûriya Demokratîk، به عربی: قوات سوريا الديمقراطية - QSD) که به اختصار SDF یا QSD نامیده می‌شود، ائتلافی از نیروهای سیاسی و نظامی اکثریت کرد و همچنین عرب، آشوری، ارمنی و ترکمان است که در خلال جنگ داخلی سوریه تأسیس شده‌است.

این ائتلاف که در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد، می‌کوشد تا دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را از منطقه رقه و نیز از دیگر مناطق سوریه بیرون کند و خودش را به عنوان «نیروی نظامی متحد ملی همه سوریه‌ای‌ها از جمله کردها، عرب‌ها، آشوری‌ها و دیگرانی که در موقعیت جغرافیایی سوریه زندگی می‌کنند» معرفی کرده‌است. افزون بر این هدف آن‌ها ایجاد خودمدریتی به طور سراسری و سوریه‌ای دموکراتیک است.

این ائتلاف به دنبال پیوستن نیروهای آتشفشان فرات به یگان‌های مدافع خلق (ی.پ.گ)، و نیز جناح خاصی از ارتش آزاد سوریه که در دفاع از شهر کردنشین کوبانی کمک‌رسانی کرد، تشکیل شد. چندی بعد تیپ انقلابیون رقه نیز که در عملیات آزادسازی گری سپی از دست داعش شرکت داشت، به این ائتلاف پیوست. این ائتلاف همچنین نیروهایی از کانتون خودگردان جزیره به‌مانند شورای نظامی سریانی و نیروهای قبیله‌ای عربی الصنادید را که هر دوی آن‌ها در آزادسازی حسکه از دست داعش مبارزه کرده‌بودند دربرمی‌گیرد.

تخمین‌ها از میزان نیروهای این ائتلاف به صورت جزء به جزء به طور قابل توجهی متفاوت است، اما شمار کل نیروها

شامل ائتلاف عربی سوریه و نظامیان

از آن جانفشانی کنند. نوشته اند در حال حاضر بین ۸ تا ده هزار نفر از این نیرو و زنان و مردان مسلح مردمی در حال دفاع در مقابل ارتش متجاوز و مزدوران آن هستند. در شانزدهمین روز مقاومت "شهره‌انان/جنگجویان" چنان ضرباتی بر پیکر متجاوزین زدند که بعضی از رسانه های بورژوازی و امپریالیستی به صدا در آمدند و به دولت ترکیه هشدار دادند که نیروی مقاومت عفرین را دستکم نگیرد.(۶)



ب: پشتیبانی جهانی:

در نظر بخش پیشرو و آگاه جمعیت جهان عفرین مظهر دموکراسی مردمی در مقابل اشکال گوناگون حکومت های بورژوازی و مصیبت آفرین در جهان می باشد. این بخش فراوان بوده و بویژه شهروندان اروپا و آمریکا (شامل تشکل های کارگری) دارای قدرت بازدارندگی بالایی هستند. از این جمعیت تاکنون در اروپا چند صد هزار نفر و اکثر از پناهندگان به اعتراض به تجاوز ترکیه به خیابان ها ریخته اند. باید کاری کرد که بخش پیشرو در صفوف میلیونی در اروپا و آمریکا به صفوف مردم معترض بپیوندند و دولت هایشان را ناچار کنند دست از ریاکاری برداشته و مانع تداوم تهاجم ارتش ترکیه به زنان و مردان سرفرازی گردند که در محل سکونت خود قدرت اصلی در هم شکستن نیروهای تروریست اسلامی نظیر داعش گشته اند. در همانحال پشتیبانی فعال جنبش کارگری و مردم آزاده ترکیه (علیرغم دیکتاتوری ددمنشانه دولت در مقابل مردم مخالف جنگ کنونی) و سرازیر شدن آنها به خیابان ها برای توقف عملیات تجاوزگرانه کنونی بسیار مهم است. این بخش پیشرو می تواند شهروندان و بویژه کاسبکاران کوچک ترکیه را نسبت به خطر کشانده شدن جنگ پارتیزانی به داخل ترکیه و فلج شدن صنعت گردشگری آگاه و حمایت آنها از توقف جنگ را جلب نمایند.

جمعیت بوده و این نفرت این روزها بیش از همیشه گردیده است. این ارتش در بین نیروهای پیشرو در جهان نیز به شدت منفور است و همیشه از آن به عنوان یک ارتش فاشیستی یاد می کنند.

ب: اقتصاد:

اقتصاد ترکیه پس از سال ۲۰۰۰ در نتیجه سیاست های نئولیبرالی، جذب سرمایه های کلان و استفاده از کارگران ماهر و ارزان رشد زیادی داشت. بحران جهانی ۲۰۰۸ به بعد این رشد را تا حدی کند نمود، اما متوقف نکرد. اکنون که دولت ترکیه به عفرین حمله کرده "اکنونیست" اقتصاد ترکیه را، با یک ارزیابی خوش بینانه به صورت زیر خلاصه کرده است: "میزان سرمایه گذاری نسبت به ده سال گذشته به نصف رسیده است. تورم رو به افزایش بوده و دو رقمی خواهد شد. قیمت ها در سال گذشته ۱۳ در صد بالا رفت. از ۲۰۱۵ تا کنون لیره ۴۰

درصد ارزش خود نسبت به دلار را از دست داده است. خبر بد اینکه قرضی که شرکت، مخصوصا کمپانی های کوچک به ارز خارجی معتبر گرفته به بیش از ۲۱ میلیارد دلار رسیده است."

"اکنونیست" مقاله را با این جمله تمام کرده: "بنزین اقتصاد ترکیه رو به اتمام است". (۳) در نتیجه اعمال سیاست های اقتصادی نئولیبرالیستی فاصله طبقاتی در دو دهه اخیر نجومی شده و فساد در آن موج می زند.

ج - دول سرمایه داری و امپریالیستی:

اینها به صورتی عیان و یا پنهان از تهاجم ترکیه به عفرین پشتیبانی می کنند. این حمایت به اشکال گوناگون خود نمایی می کند و یکی از آن ها فقدان و یا اطلاع رسانی قطره چکانی و جانبدارانه از طرف رسانه های خط رسمی راجع به این تهاجم جنایتکارانه است.

۲- روزآوا:

الف: نیروهای نظامی:

بنابه تخمین "ویکی پدیا" تعداد "نیروهای سوریه دموکراتیک" ۶۰ هزار نفر است. (۵) این نیرویی است فاقد امکانات و تجهیزات ارتش ترکیه، اما پشت به یک سیستم مترقی سیاسی، اقتصادی فقیرانه، اما به درجات بی نظیری برابر و سالم و میلیون ها مردمی بسته است که این نیرو را از آن خود می دانند و حاضرند برای محافظت

➔ مسیحی ممکن است به بیش از ۶۰.۰۰۰ نفر برسد.

(۵) پیام، سایت سیاسی خبری، اخبار روز شانزدهم مقاومت را چنین جمع بندی کرده است:

"همزمان با گذشت ۱۶ روز از مقاومت قهرمانانه مبارزان و مردم عفرین مرکز خبرسانی ی.پ.ژ تصاویر ویدیویی عملیات مبارزان زن را علیه یک تانک رژیم ترکیه در روستای "عبدانه" در بخش بلبله از توابع کانتون عفرین را منتشر کرد.

در تصویر مذکور لحظه انهدام تانک ارتش ترکیه دیده می شود. همزمان نیروهای سوریه دمکراتیک نیز چندین خودرو را با تله های انفجاری منهدم کردند. فرماندهی نیروهای سوریه دمکراتیک طی اطلاعیه ای تازه در مورد نبردهای عفرین اعلام کرد همه ی مناطقی که نیروهای اشغالگر ترکیه وارد آن شده اند دوباره پاکسازی خواهند شد. فرماندهی کل یگان های مدافع زنان در رابطه با رفتار وحشیانه با پیکر یک دختر رزمنده جانباخته توسط نظامیان ترکیه و جهادیون در بخش بلبله عفرین بیانیه ای صادر کرده و اعلام نمود، "وحشیگری در برابر پیکر مبارزان نشان از رفتار مشابه ارتش ترکیه و القاعده دارد." ی.پ.ژ ارتش ترکیه و القاعده را یکسان دانسته و گفته است که هرگز اجازه پیروزی به آنها نمی دهند. به دنبال مقاومت گسترده و قهرمانانه مردم عفرین و مبارزان، دولت ترکیه به منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، غیرنظامیان را آماج حملات خود قرار داده است. طی این شانزده روز، تعداد کشته ها و زخمی های غیرنظامیان افزایش یافته است و شمار بسیاری به بیمارستانهای مرکزی عفرین، شراوا، جندرس، راجو، شیا و بلبله منتقل شده اند. در همین ارتباط، رئیس مشترک انجمن سلامت کانتون عفرین آمار قربانیان ۱۴ روز حمله ارتش ترکیه به عفرین را اعلام کرد. به گفته ی وی طی این مدت، ۱۵۰ غیرنظامی کشته و ۲۹۸ تن دیگر زخمی شده اند. رئیس مشترک انجمن سلامت کانتون عفرین از کلیه سازمانهای بین المللی خواست تا به گوشه ای از جنایات رژیم ترکیه بنگرند. از سوی دیگر، خبرگزاری ها گزارش کردند، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا مدعی شده که مذاکراتی غیرعلنی با ترکیه بر سر منبج در جریان است."

فوریه ۲۰۱۸

پرسش:

جهان امروز پاسخ می دهد:

"دختر خیابان انقلاب"



توانند با هر حرکت جزئی نیز که این تحقیر و نابرابری را به چالش گیرند، مخالف باشند. این شکل از مبارزه نیز، شکلی از مبارزه درخشان است. روسری سفید، و سیاه، پرچم تسلیم نیست، بیرون آوردن نماد تحقیر از سر و برافراشتن آن است که علیه حاکمیت به درفش مبارزه تبدیل می شود. زنجیری است که از دست گشوده و برفراز می شود که ما همین زنجیر اسارت را که در دین و روایت ها دینی، ستون حکومت و اسلام است، از سر باز کرده، با دستهای خویش، و پرچم می سازیم به آشکارا و نه پنهانی، برسکوهای خیابان های انقلاب.

این اقدام، چکامه ای است، در عمل که "آزادی های یواشکی" را مردود و واپس مانده و انفعالی اعلام می کند، خود آزادگر و آگاهانه و آشکارا بی ترس و با پذیرش هزینه های سنگین بازداشت و شکنجه و زندان به جان می خورد. ویدا، را باید ستود با داشتن فرزند خردسال که پشتاز شد و نماد یک ابتکار پیشتاژانه در برابر انفعال یواشکی و تن سپاری زنان گردید. و ویداها که جوانه می زند و بازتولید شدند و می شوند.

این حرکت، تنها نمونه و نخستین جلوه یابی مبارزات زنان بر علیه حجاب و پوشش اجباری و قوانین آپارتایدی جمهوری اسلامی بر علیه زنان نبوده و نخواهد بود. این مبارزه به درازی عمر این رژیم و حتی از دوران قاجار و پیش از آن از دوران اعلام حجاب اجباری به وسیله محمد، پیامبر مسلمانان آغاز شده و ادامه داشته و همواره در جریان بوده است و این نخستین باری نیست که حجاب، این نشانه تحقیر انسان، به دور افکنده می شود. برداشتن حجاب تحمیلی - اسلامی، به وسیله زن مبارز و رهبر جنبش پیشه وران و بزرگان تهی دست شهر و روستا و رهایی زنان، زرین تاج (طاهره) قره العین نمونه درخشان و تاریخی این مبارزه است. برداشتن مقنعه و ظاهر شدن با موهای زیبا و چهره ی درخشان، بر سکوی سخنرانی که انجام تمامی واجبات دینی، پرداخت مالیات به روحانیت و فتودال ها، و دربار

پرسش: حرکت و ابتکار شجاعانه ویدا موحد که به "دختر خیابان انقلاب" شناخته شد، به عنوان حرکتی نمادین بر علیه حجاب اجباری به یکی از موضوعات مهم در روزهای اخیر تبدیل شد. این حرکت در ادامه خود، تکثیر و الگو گردید و دهها مورد مشابه در نقاط مختلف ایران تکرار شد و اظهار نظرهای مختلفی غالباً مثبت و تایید آمیز را در پی داشت. اما در میان این اظهار نظرها، با پرسشی روبه رو شدیم که عنوان می کرد منتسب کردن این حرکت نمادین به انقلاب یا انقلاب زنانه درست نیست، چون انقلاب با برافراشتن پرچم سفید در چارچوب دفاع از "آزادیهای یواشکی" مقدور نیست و آزادی زنان با اینگونه حرکت ها عملی نخواهد شد. نظر شما چیست؟

جهان امروز: به نظر ما آنچه ویدا و در پیرو آن، دهها زن و مرد آزاده در ادامه این حرکت نمادین انجام دادند، حرکتی کاملاً قابل دفاع و پشتیبانی است. این گونه حرکت ها، پیش و بیش از هر چیز نشان شجاعت و منش و شهامت سیاسی و به خود بازاری زن، به دفاع از انسانیت و حقوق انسانی خویش در برابر قوانین داعشسم صدر اسلام حکومت اسلامی است. این نوع حرکات را از روی شکل و شمایل نباید ارزیابی کرد و به دلیل اینکه کاملاً با برنامه کمونیست ها برای رهایی زن منطبق نیست، نباید به رایگان و آسانی به فمینیست های بورژوازی و مبلغین "آزادیهای یواشکی" و یک میلیون امضا و رفرمیست ها واگذار کرد، چرا که کمونیست ها که پیگیرترین مدافع الغای هر نوع ستم جنسیتی هستند، نمی

عنوان روز جهانی زن و مبارزه برای رهایی را انقلابیون سوسیالیست همانند کلارا زتکین، روزا لوکزامبورگ، لوتیزا کائوتسکی، النور مارکسها و کولنتایها و کروپسکایا و وو پیشتاز بودند و دستیابی به رهایی را تنها در پیوند با زنان کارگر و پیروزی سوسیالیسم، شدنی می دانستند. تاریخ آن زمان از سال های ۱۸۹۰ تا کنون این واقعیت را ثابت کرده است. فشرده آنکه، در این مبارزه باید به عناصر زیر متمرکز شد:

- عنصر فروریختن نسبی ترس توده ها به ویژه شجاعت و پیشتازی زنان، نمونه فریاد مرگ بر خامنه ای و حکومت اسلامی، در کرمانشاه و رشت زنان کارگر و ستمکش و برخاسته و سینه سپر کرده در برابر نیروهای ضد شورش تا دندان مسلح و زره پوش،

- عنصر سنگینی فشار و سرکوب و محرومیت زنان در تمامی شئون زندگی و پایمالی تمامی ارزش های انسانی با سلاح دین و حکومت دینی،

- مردود دانستن و ناکارایی نافرمانی های یواشکی و پنهانی، بازیابی نیرو، شجاعت و خودآگاهی و تداوم مبارزه زنان در برابر بی حقوقی و ارزش گذاری های مذهبی

- و عنصر ابتکار عمل مبارزاتی و تجربه اندوزی و الگوهای مبارزاتی جنبش و نمونه های تاریخی از زرین تاج تا زنان به جنبش مسلحانه پیوسته و پیشمرگه های از سال ۵۸ تا کوبانی و عفرین، همه الهام بخش مبارزه و مقاومت زنان انقلاب اند.

این حرکت شعرگونه، همانند سرودهای رزمی، بر سکوهای خیابانها باید پشتیبان بود و پیروز باد گفت.

بر فراز سکوی آزادی دانست. در این چهل ساله حکومت ننگین اسلامی سرمایه داران، انقلابیگری زنان نه فقط برای لغو حجاب، بلکه به هدف برابری کامل بین زن و مرد در تمامی شئون که در جای خود رفرمهایی بیش نیستند و اما باید که از آن ها پشتیبانی کرد، به درازای عمر رژیم است. این مبارزه از همان فردای ۲۲ بهمن ۵۷ علیه قوانین قرآنی برآشوبید و به خیابان آمد اما متأسفانه از آن پشتیبانی نشد. این مبارزه، علیرغم سرکوب سیستماتیک و قانونی و نهادینه شده و پایه سلطه مالکانه و طبقاتی - مردانه - قبیله ای ایدئولوژی اسلامی، همواره در جامعه جاری بوده است. از این روی آنچه در روزهای اخیر به عنوان حرکت ارزشمند و نمادین "دختر خیابان انقلاب" به نمادی علیه بربریت سرمایه داری اسلامی در ایران تبدیل شده است، بخشی از مبارزات آزادیبخش و حق طلبانه ای است که در بطن جنبش های اجتماعی بر علیه تمامیت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در جریان است. در خیرش گسترده و سراسری تهیدستان جامعه بر علیه رژیم در دی ماه ۹۶، زنان و مردان انقلابی و برابری طلب گوشه ای از عزم انقلابی و سرنگونی طلب خود را نشان دادند و بدون تردید هر شکل از اعتراضی در جامعه ایران در بطن این مبارزه طبقاتی جاری می گنجد. مدتهاست جریانات رفرمیستی علیرغم پشتیبانی مدیایی و صوری کشورهای سرمایه داری از آنها، نمایندگی تغییرات بنیادین آتی را در این جامعه ندارند. نماینده راستین همه حرکت و جنبش های درون این جامعه را نیروهای چپ و کمونیست و رادیکال این جامعه می توانند راهبر باشند. همانگونه که اعلام ۸ مارس به

و پایان یافتن مالکیت خصوصی، اعلام اشتراک دارایی و اجتماعی شدن ابزار تولید، در همایش مخفی چندین هزار نفره در روستای بدشت از شاهرود در راه تهران - مازندران، که حتی احمد کسروی، تاریخ نگار مشروطه و انسان پیشرو زمانه خود آن را نمی پسندد، نمونه درخشان مبارزه زنان علیه اجبارها و خواری های دینی - طبقاتی است. زرین تاج در پیشاهنگی این جنبش مسلحانه که با توپخانه ناصرالدین میرزای وقت یا شاه بعدی و امیدکبیر رفرمیست، پس از سال ها جنگ و گریز به خون نشست، پیشتاز این مبارزه بود. با دستگیری زرین تاج در راه پیوستن به مقاومت مسلحانه و در محاصره ی بابل، (بار فروش، قلعه طبرسی) و جنگجویانی که هفتصد یا هشتصد تن گزارش شده اند بود، که دستگیر شد. محاصره شدگان، بابل، تا پای جان، با نیروهای مسلح فئودال ها، و دولتی و با فتوا و همراهی روحانیت حاکم، مبارزه نموده و پس از چهار ماه محاصره و مقاومت بیشترین آنها جان باختند. زرین تاج، پس از دستگیری به تهران منتقل می شود و به مدت چهار سال در زندان انفرادی والی شهر، پس از تن ناسپاری به درخواست ناصرالدین شاه برای پیوستن به حرمسرا و زنان درباری، سرانجام در سال ۱۸۵۲ میلادی پس از رویارویی با دو آیت الله و درهم شکستن استدلال های دینی و بی پایه ی آنها، با حکم آن دو مجتهد اسلام، در ۳۵ سالگی به قتل رسید. آخرین کلام طاهره را پیش از اعدام چنین ثبت شده است: می توانید به زودی، هر گاه که اراده کردید، مرا به قتل برسانید. اما جلوی آزادی زنان را نمی توانید بگیرید. زرین تاج را می توان پیشتاز آزادی زنان و ایستادن

اعضا، هواداران و دوستداران حزب کمونیست ایران و کومه له!

مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در هر محلی که هستید برسانید.



**کمک مالی به
حزب کمونیست ایران
و کومه له**

آدرس های حزب

کمونیست ایران و

کومه له

نمایندگی کومه له در خارج کشور

کمیته خارج کشور

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

K.K. P.O.Box75026

750 26 Uppsala - Sweden

Fax: 004686030981

representation@komalah.org

Tel: 0046 8 6030981

0046-707 254 016

kkh@cpiran.org

C.D.C.R.I. Box 2018

127 02 Skärholmen

SWEDEN

dabirxane.cpi@gmail.com

دستگاه سرکوب رژیم را می توان فلج کرد!

خواهند و رژیم نه می خواهد و نه می تواند این خواسته ها را تامین کند. تداوم مبارزات مردم در چهارچوب جنبش های پیشرو اجتماعی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش جوانان و دانشجویان و جنبش انقلابی مردم کردستان با در پیش گرفتن تاکتیکهای نوین، با متشکل کردن و منسجم نمودن صفوف خود، با تقویت موقعیت رهبران کارآمد و بانفوذ، افق رهایی از چنگال رژیم اسلامی و رهایی قطعی را روشن کرده اند. در اینجا و در درون این جنبش ها عالی ترین اشکال همبستگی و انسان دوستی پایه گذاری می شوند. در یک کلام گام به گام شرایط سرنگونی این رژیم فراهم می شود و پا به پای آن ملزومات سازماندهی جامعه آزاد و برابر و مرفه فردا مهیا می گردد. رژیم اسلامی نیز خطر واقعی را در همین جا می بیند.

قدرتمند شدن جنبشهای پایدار، ادامه کار و جافتاده اجتماعی، کلید مقابله با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم است. اما قدرتمندی جنبش های که از آن سخن رفت، موقعیتی نیست که به طور خودبخودی تامین شود. در این جا نقش جریان رادیکال، رهبران بانفوذ در محل، سازمانها و نهادهای کارگری و توده ای مطرح است. این جنبشها از اینرو که بر تجربه گذشته، بر هوشیاری و عناصر آگاه و پیشرو متکی هستند، گام به گام پیش می روند و با هر پیشروی خود دست آوردی را تثبیت می کنند. آنها وحدت مبارزاتی را نهادینه خواهند کرد، جنبش هایی که سرانجام با حرکات آگاهانه و تاکتیکهای سنجیده و فکر شده خود، زمینه اعتراضات توده ای همزمان و سراسری را مهیا خواهند کرد و دستگاه سرکوب رژیم را فلج خواهند ساخت.

برگرفته از سخن روز

تلویزیون حزب کمونیست ایران

■ ۱۱-۱۷-۱۳۹۶ | ۰۲-۰۶-۲۰۱۸

با وعده و عید، با اعتراف به حقانیت مطالبات مردم در ظاهر و با سرکوب فعالین مدافع همان مطالبات در خفا و در زندان، نمیتوان از میدان بدر کرد. اگر نگرانی سران رژیم نسبت به آینده



حکومت اسلامی واقعی است، اقداماتی که برای رفع این نگرانی در پیش گرفته اند، که بر سرکوب مستقیم متکی است، نهایتا راه به جایی نمی برد. جنتی در این مورد به روشنی ناکارایی استراتژی رژیم را در دو جمله بیان می کند و می گوید: "از نظر امنیتی و سیاسی کارهای زیادی شده اما از نظر معیشتی کار مناسبی صورت نگرفته است." علیرغم این هشدارها، سران رژیم راه خود را انتخاب کرده اند و آنهم چیزی جز به کار بردن کلیه قوای سرکوبگر خود علیه مردم معترض و نادیده گرفتن مطالباتشان نیست. آنها همه آنچه را که در زمینه سرکوب در توان داشتند طی ۴ دهه اخیر علیه مردم کارگر، زحمتکش و ستمدیده و آزادیخواه این کشور به کار گرفته اند و اکنون نیز همین راه را ادامه خواهند داد. اما در اینجا به دلیل خروش مبارزات مردمی نه مجال نفس تازه کردنی دارند و نه امیدی به فریب این مردم. مردم نان، کار، مسکن و معیشت بهتر می

در حالیکه اعتراضات کارگری در نقاط مختلف ایران ادامه دارد و اعتراضات مردمی چون آتش زیر خاکستر، هر دم از گوشه ای بیرون می زند، سران رژیم نیز در آستانه ۲۲ بهمن سالگرد سقوط رژیم شاه، نگرانی خود را از آینده رژیم اسلامی پنهان نمی کنند. روز دوشنبه احمد جنتی دبیر شورای نگهبان طی سخنانی در رابطه با خیزش اخیر مردم در دیماه گفت: "من نگران سال آینده هستم که چه اتفاقاتی خواهد افتاد چون باید احتمالات را بررسی کرد و مدنظر قرار داد. جنتی پیشتر در روز پنجم بهمن ماه در اشاره به اعتراضات اخیر، فضای مجازی را بلا و مشکلی خوانده بود که به جان کشور افتاده است. وی هم چنین گفت: "وقتی فاصله طبقاتی زیاد باشد فقرا در خیابان راه می افتند و سر و صدا کرده و نمی توانند زندگی را تحمل کنند." و در این رابطه اضافه کرد که: "امروز مساله براندازی اسلام و نظام مطرح است و باید این توطئه را برطرف کرد."

حسن روحانی رئیس جمهور نیز که به مناسبت سی و نهمین سالروز قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سخن می گفت، نگرانی خود را از آینده رژیم ابراز کرد و حکومت پهلوی را مثال زد و تاکید کرد: "رژیم گذشته که فکر می کرد سلطنت او مادام العمر و حکومت سلطنتی ابدی دارد به این دلیل همه چیز را از دست داد."

طی روزهای اخیر سخنان مشابه را از زبان بسیاری از کارگزاران رژیم می شنویم. تا کنون نه خامنه ای و نه فرماندهان سپاه پاسداران، هیچکدام صراحتا از شکست کامل اعتراضات سخن نگفته اند و در این باره با احتیاط اظهار نظر می کنند.

واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی نقاط ضعف خود را به خوبی تشخیص داده است. آنها میدانند خیزش هایی که ریشه در فقر و بیکاری و محرومیت های اقتصادی دارد را،

سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت های حزب

کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!